



شیعیان کنیا و تانزانیا مناسبات با پیروان مذاهب

پدیدآورده (ها) : عرب احمدی، امیربهرام

علوم سیاسی :: مطالعات راهبردی جهان اسلام :: پاییز 1394 - شماره 63
از 101 تا 146

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1110553>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 24/02/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

شیعیان کنیا و تانزانیا مناسبات با پیروان مذاهب

امیرپهرام عرب احمدی *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۳، پیاپی ۶۳، پاییز ۱۳۹۴؛ صفحات ۱۴۶-۱۰۱

چکیده

شیعیان در شرق آفریقا، به خصوص در دو کشور مهم و راهبردی کنیا و تانزانیا، در چند دهه اخیر با تأثیرپذیری از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و فعالیت خوجه‌های شیعه اثنی‌عشری در قالب سازمان بلال مسلم می‌شن، به نیرویی مؤثر از لحاظ اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده‌اند و امید می‌رود در سایه مدیریت و برنامه‌های درازمدت بتوانند در عرصه سیاسی نیز صاحب جایگاه و نقشی مقبول شوند.

بدیهی است در راستای فعالیت شیعیان در این دو کشور، پرداختن به کیفیت و چگونگی مناسبات آنها با سایر مسلمانان که در اکثریت قرار دارند، حائز اهمیت فراوان است. همچنین مناسبات شیعه با مسیحیان می‌تواند تأثیرات شگرفی در جذب و هدایت آنان به سمت شیعه داشته باشد؛ زیرا در آفریقا بنا بر خصوصیات مردم این قاره، چرخش دینی و مذهبی به سادگی انجام می‌شود. پژوهش حاضر سعی دارد ماهیت و چگونگی این مناسبات را تبیین و ظرفیت‌های شیعیان را در این باره به شکل روشن‌تری بیان کند.

واژگان کلیدی

کنیا، تانزانیا، شیعه، سنی و مسیحی

* کتدیبای دریافت دکتری علوم سیاسی و استاد دانشکده مطالعات جهان - گروه مطالعات آفریقا Arabahmadi@ut.ir

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۵

کنیا و تانزانیا به عنوان دو کشور مهم منطقه شرق افریقا از لحاظ میزان جمعیت مسلمان، جایگاه بالایی در قاره افریقا دارند. تاریخ اسلام در این دو کشور به قرون نخستین اسلامی بازمی گردد. برخی اعراب مسلمان و شیرازی‌ها در قرون سه و چهار هجری- قمری، نقش مهمی در توسعه اسلام در این کشورها به ویژه در مناطق ساحلی و جزایر کشورهای مذکور ایفا کردند. صرف نظر از تاریخ اسلام در این منطقه طی هزار سال گذشته که خود موضوع پژوهش مفصلی است، در حال حاضر حدود ۶۰ درصد جمعیت تانزانیا و ۳۰ تا ۳۵ درصد مردمان کنیا مسلمان هستند. مسلمانان طی چند دهه گذشته و از بدو استقلال در اواسط دهه ۱۹۶۰ نقش مهمی در وحدت و انسجام این کشورها ایفا کرده‌اند. جدای از شیعیان هندی ساکن این منطقه، اعم از شیعیان خوجه اثنی عشری و شیعیان هندی شش امامی (بهره داوودی و آقاخانی)، پیشینه تاریخی اقلیت کوچک شیعیان بومی تانزانیا و کنیا به سال‌های میانی دهه ۱۹۶۰ بازمی گردد.

پس از استقلال کشورهای مذکور، شیعیان خوجه اثنی عشری مقیم این کشورها که تا آن زمان برنامه‌ای برای تبلیغ تشیع بین بومیان نداشتند، به تدریج بر این واقعیت مسلم واقف شدند که برای ادامه حیات در کشورهای تانزانیا و کنیا و انسجام جامعه خود باید تا حدودی از لاک انزوای خویش درآیند و ضمن تلاش برای تبلیغ مذهب تشیع، درصدد جلب رضایت نسبی بومیان مسلمان این سرزمین برآیند.

پس از تشکیل «فدراسیون شیعه خوجه اثنی عشری جماعت افریقا»، بنیان‌گذاران این فدراسیون یکی از راه‌های ثبات سیاسی خود را تبلیغ مذهب اهل‌البیت (ع) بین سیاهان مسلمان دانستند. بدین منظور سازمان بلال میشن با آغاز فعالیت در سال ۱۹۶۷، تولیت این امر مهم را برعهده گرفت و به عنوان اولین گام اساسی در اواخر دهه ۱۹۶۰ چند تن از طلاب بومی مستعد بلال مسلم میشن را برای ادامه تحصیل به محضر آیت‌الله سید محسن حکیم، مرجع عالی‌قدر شیعیان خوجه آن زمان، به



عراق اعزام کرد. پس از بازگشت این طلاب و تأسیس چند مدرسه دینی در شهرهای مختلف کشورهای تانزانیا و کنیا، مذهب تشیع اندک‌اندک بین بومیان مسلمان این دو کشور راه یافت. در دهه ۱۹۷۰ تعداد شیعیان بومی کنیا و تانزانیا در حد درخور توجهی افزایش یافت و در دهه ۱۹۸۰، هم‌زمان با ظهور انقلاب اسلامی ایران، گرایش مسلمانان اهل تسنن تانزانیا و کنیا به تشیع فزونی گرفت.

تأسیس سفارتخانه‌ها و مراکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف افریقایی از جمله این دو کشور راهبردی از اقدامات مثبتی بود که توسعه مذهب اهل‌البیت (ع) را شدت بخشید و بر اثر فعالیت‌های مبلغان اعزامی از نهادهای مختلف فرهنگی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران، مسلمانان بیش از گذشته به تشیع روی آوردند.

دهه ۱۹۹۰ را می‌توان دوره رونق تشیع بین سیاهان نامید؛ زیرا با تشکیل چند سازمان خیریه تبلیغی در شهرهای مختلف دو کشور کنیا و تانزانیا، علاوه بر افزایش شمار نسبی شیعیان بومی، اطلاعات مذهبی آنها نیز تا حدودی افزایش یافت و چند تن از دانش‌آموزان مستعد با هزینه این مراکز برای تحصیل علوم دینی به جمهوری اسلامی ایران اعزام شدند (عرب احمدی، ۱۳۷۹: ۱۶۰). توزیع مجلات دینی و کتب ارسالی از جمهوری اسلامی ایران و نشریات سازمان بلال مسلم میشن نیز از عوامل دیگری بود که در طول این سال‌ها فرایند توسعه مذهب اهل‌البیت (ع) را به طور نسبی افزایش داد. در عین حال مخالفت با تشیع بین مسلمانان اهل سنت هم‌زمان در حال گسترش بود و برخی شیوخ سرشناس این کشورها که از کمک‌های مالی وهابیون نیز برخوردار بودند، به طور جدی مانع توسعه تشیع بین سیاهان شدند. این وضعیت با فراز و نشیب‌هایی تاکنون ادامه یافته است و بر اثر فعالیت‌های روزافزون سازمان‌های تبلیغی گوناگون، مذهب اهل‌البیت (ع) همچنان با امید، راه خود را به سوی آینده هموار می‌سازد (عرب احمدی، صص ۱۶۱-۱۶۰).

در این نوشتار ضمن بررسی تحلیلی پیدایش و گسترش مذهب اهل‌البیت (ع)



در کشورهای افریقایی، تلاش شده است با تمرکز بر نحوه تعامل و مناسبات شیعیان ساکن کشورهای تانزانیا و کنیا با مسلمانان و ادیان و آیین‌های دیگر، تصویری جامع و کامل از تمام گروه‌های نژادی شیعی (سیاه‌پوستان بومی و هندی‌های مقیم) بر اساس اطلاعات موجود، ارائه شود.

مسئله اصلی در این پژوهش، زندگی مسالمت‌آمیز پیروان مذهب تشیع با پیروان سایر مذاهب و ادیان در کشورهای مذکور است. فرضیه اصلی پژوهش میزان موفقیت شیعیان در پاسداشت ارزش‌ها و هویت دینی و فرهنگی خویش است. به موازات آن، سؤال مهم مطرح این است که مذهب اهل‌البیت (ع) در تحقق اهداف بنیادی خود با چه چالش‌هایی به خصوص بین بومیان پیرو تشیع مواجه بوده است. پردازش این موضوع نیز خود موضوعی ابتکاری و دارای جنبه‌های واجد نوآوری است. امید که این تحقیق - در کنار سایر پژوهش‌های مؤسسه اندیشه‌سازان نور- در ارتقای سطح معلومات و به تبع آن برنامه‌ریزی مسئولان عالی‌رتبه سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال این جامعه کوچک و نسبتاً موفق (و امیدوار به آینده) راهگشا و نقش‌آفرین باشد.

۱. رسوخ مذهب اهل‌البیت (ع) بین مسلمانان کنیا و تانزانیا

صرف‌نظر از پیشینه عمیق تاریخی تشیع در مناطق ساحلی و جزایر کشورهای امروزی تانزانیا و کنیا که به قرون نخستین هجری - قمری و مهاجرت و استقرار طولانی مدت گروهی از ایرانیان به سواحل و جزایر کنیا، تانزانیا، سومالی، کومور و شمال موزامبیک بازمی‌گردد و خارج از حوصله این مقاله است، تاریخ معاصر معرفی و نفوذ تدریجی مذهب تشیع در کشورهای مذکور و پدید آمدن اقلیت کوچک شیعیان بومی در تانزانیا و کنیا به سال‌های میانی دهه ۱۹۶۰ مربوط می‌شود که در مقدمه مفصل به آن پرداخته شد. از آن زمان تاکنون شاهد شکل‌گیری و انسجام تدریجی مکتب اهل‌البیت (ع) در این دو کشور بوده‌ایم که این روند به‌رغم مشکلات موجود، همچنان تداوم دارد.



شیعیان بومی تانزانیا در حال حاضر در چند شهر به ویژه دارالسلام، زنگبار، دودوما، کیگوما و آروشا اقلیت‌های درخور توجهی را تشکیل می‌دهند و طی چند دهه گذشته با بهره‌گیری از امکانات محدود تبلیغی خود (چند مدرسه، مسجد و مرکز فرهنگی) به تدریج جامعه باثباتی تشکیل داده‌اند. در حال حاضر جمعیت بومیان شیعه در دارالسلام حدود چند صد نفر است اما انتظار می‌رود در آینده‌ای نه چندان دور با همت «جمعیت اثنی‌عشری تانزانیا» و مدارس شیعی همچون الثقلین، السبتین، الرضا، امیرالمؤمنین و مدارس متعلق به سازمان ویپاز و بلال مسلم میشن، شمار شیعیان بومی افزایش یابد. شیعیان بومی در دودوما نیز زیاد هستند. اکثر شیعیان بومی تانزانیا در شهرهای آروشا و کیگوما زندگی می‌کنند. در حال حاضر به همت مؤسسه بلال مسلم میشن تانزانیا و برخی شیعیان خوجه اثنی‌عشری یک حوزه علمیه و چند مدرسه اسلامی در آروشا فعالیت دارند و تعداد زیادی از اهل سنت طی دو دهه اخیر به مذهب اهل‌البیت (ع) گرویده‌اند. «جمعیت اثنی‌عشری تانزانیا» که مهم‌ترین سازمان شیعی متعلق به شیعیان بومی تانزانیاست، در این شهر فعالیت چشمگیری دارد و با بهره‌گیری از دو مدرسه دینی و یک کتابخانه بزرگ در راه گسترش تشیع در این شهر مهم شمالی کشور گام برمی‌دارد (اسعدی، ۱۳۷۶: ۵ - ۴).

تعداد زیادی از شیعیان بومی تانزانیا در شهر مرزی کیگوما در غرب این کشور زندگی می‌کنند. تراکم درخور توجه شیعیان در این شهر دورافتاده حاصل فعالیت و جانفشانی چند تن از مبلغان اعزامی جمهوری اسلامی ایران و مؤسسه بلال مسلم میشن است. پیروان مکتب اهل‌البیت (ع) در کیگوما و نواحی اطراف آن در سطح وسیعی پراکنده‌اند و ارائه آماری قطعی از آنها امکان‌پذیر نیست؛ با این حال براساس بررسی‌ها می‌توان گفت حدود دو هزار نفر از شیعیان بومی در کیگوما و اوجیجی و حدود سه تا چهار هزار نفر در روستاهای اطراف زندگی می‌کنند. اگرچه این شیعیان



با فقر و محرومیت دست به گریبان هستند، با بهره‌گیری از امکانات موجود، شامل مدارس و مساجد محقر، با عشق و علاقه فراوان برای ارتقای وضعیت مذهبی خود می‌کوشند. آنان با کمک‌های مالی چند تن از شیعیان خیر خوجه اثنی عشری و همچنین سازمان بلال مسلم میشن، معمولاً مراسم و مناسبت‌های مذهبی خاص خود همچون جشن تولد ائمه اطهار و مراسم عزاداری ماه محرم را برپا می‌دارند و با وجود مشکلاتی که برخی مسلمانان متعصب اهل تسنن و گروه‌های معارض برای آنها ایجاد می‌کنند، در راه خود ثابت‌قدم‌اند (عرب احمدی: ۱۸۴-۱۸۱).

شیعیان بومی تانزانیا از نظر فرهنگی در وضعیت چندان مناسبی به سر نمی‌برند و بسیاری از آنان صرفاً سواد قرآنی دارند یا از حداقل سواد خواندن و نوشتن برخوردارند؛ با این حال طی چند سال اخیر با حمایت چند تن از شیعیان خوجه، چند مدرسه برای آنان تأسیس شده است. این مدارس تبلیغ و گسترش تشیع بین شیعیان بومی را سرلوحه اهداف خود قرار داده و تاکنون موفقیت‌های زیادی کسب کرده‌اند. طی دو دهه اخیر چند تن از دانش‌آموزان این مدارس نیز با همت مؤسسات خیریه مذکور به حوزه علمیه قم اعزام شده‌اند؛ از این رو می‌توان پیش‌بینی کرد در دهه‌های آینده این اقلیت به سطح مناسبی از نظر فرهنگی دست یابند و بتوانند در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی مسلمانان تانزانیا به نقش‌آفرینی بپردازند.

از نظر اقتصادی نیز شیعیان بومی تانزانیا همانند سایر مردم این کشور همواره با مشکل فقر و نداری دست به گریبان بوده‌اند و شاید بتوان معضل فقر و مسکنت را از بزرگ‌ترین مشکلاتی دانست که بر این اقلیت کوچک سایه انداخته است. اکثر شیعیان بومی شغل ثابت یا درآمد دایم ندارند و به مشاغل پستی همچون کارگری، نگهبانی و دست‌فروشی روی آورده‌اند که حتی برای تأمین خوراک فرزندان آنان کافی نیست. از این رو در برخی موارد از شدت فقر و بدبختی دست‌دریوزگی به سوی شیعیان خوجه اثنی عشری دراز می‌کنند و با وجود مناعت طبعی که در سرشت آنها وجود دارد، از هم‌کیشان خود کمک



می‌طلبند. هر چند این کار به طور مقطعی مشکلات مالی برخی از آنها را رفع کرده، ولی در درازمدت مشکلات بیشتری برای شیعیان بومی ایجاد و علاوه بر افزایش روحیه گداپروزی در آنها، نظر شیعیان خوجه اثنی عشری را به بومیان نامساعد کرده است؛ به گونه‌ای که برخی از شیعیان خوجه سنتی معتقدند علت روی آوردن برخی بومیان به مذهب اهل‌البیت (ع)، کسب درآمدی هرچند اندک از کنار آنهاست.

صرف‌نظر از تعداد اندکی از شیوخ معتبر این جامعه که در قبال تدریس در مدارس شیعی از حقوق مناسبی برخوردارند، سایر شیعیان بومی وضعیت اقتصادی نامناسبی دارند. این وضعیت در مناطق دوردستی همچون کیگوما بیشتر به چشم می‌خورد (عرب احمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

وضعیت اجتماعی شیعیان بومی نیز به تبعیت از اوضاع اقتصادی آنها چندان مساعد نیست و فقدان نظم و انسجام، وجود اختلافات بین برخی شیوخ این جامعه و روابط آنان با شیعیان خوجه اثنی عشری که گاه با فراز و نشیب‌هایی همراه است، مانع استحکام ساختار اجتماعی این اقلیت شده است. وجود نوعی دوگانگی در مناسبات شیعیان بومی با خوجه‌های اثنی عشری همراه برخی مشکلات نیز موانع و مشکلات اجتماعی شیعیان بومی را شدت بخشیده است. جمعیت اثنی عشری تانزانیا نیز که با معضلات گوناگون مواجه است و به ویژه درآمد مالی مطمئن و ثابت ندارد، تاکنون نتوانسته است فارغ از هرگونه موضع‌گیری، حالت وحدت‌بخشی بین آنان به وجود آورد. البته طی چند سال گذشته پیشرفت‌هایی در وضعیت اجتماعی شیعیان بومی حاصل شده است، ولی وجود تشّت و پراکندگی و فقدان اتحاد از عوامل اصلی تضعیف مبانی اجتماعی این اقلیت به شمار می‌رود (عرب احمدی، صص ۱۶۶-۱۶۵).

شیعیان بومی علاوه بر مشکلات فراوان اجتماعی و اقتصادی، با فقر مراکز مذهبی همچون مسجد و حسینیه مواجه‌اند. وجود چند مسجد کوچک در شهرهایی همچون



دارالسلام، کیگوما، آروشا و دودوما قابل مقایسه با مراکز عبادی شیعیان خوجه اثنی عشری نیست. هرچند سخن گفتن درباره مساجد مؤمنین از لحاظ دینی چندان شایسته نیست و مسجد در هر وضعیتی خانه خداست، ولی مساجد شیعیان بومی، ساختمان‌هایی محقر و کاه‌گلی‌اند که حتی از نظر امکاناتی همچون برق، فرش و منبر در مضیقه هستند. در روستاهای کیگوما اتاق‌هایی بسیار محقر مسجد نامیده شده‌اند که صرف‌نظر از قداست و معنویت، به هیچ وجه در شأن این مکان مقدس نیستند. البته شیعیان خیر خوجه اثنی عشری مبالغ مالی درخور توجهی برای تجهیز برخی از این مساجد اختصاص داده‌اند، ولی به نظر می‌رسد نوسازی این مساجد به زمان و هزینه بیشتری نیاز دارد (عرب احمدی، ۱۳۷۹: ۱۶۹-۱۶۸).

ب) شیعیان بومی کنیا

در حال حاضر اقلیت درخور توجهی از شیعیان بومی در کنیا زندگی می‌کنند که محل استقرارشان علاوه بر حومه نایروبی (ایستلی)، بیشتر در مناطق ساحلی کنیا و شهرهای مومباسا، مالیندی، لامو و ناکورو است. آمار دقیقی از این شیعیان که در شهرها و روستاهای این منطقه پراکنده‌اند وجود ندارد، ولی بر اساس آمارهای شفاهی که علمای شیعه ارائه کرده‌اند، حدود ۲۰۰۰ نفر می‌شوند. این شیعیان که بیشتر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سلک پیروان مذهب اهل‌البیت (ع) جای گرفته‌اند، در زمره محروم‌ترین مسلمانان کنیا به شمار می‌روند و به دو گروه تقسیم می‌شوند: بخش عمده‌ای از شیعیان بومی فعلی کنیا در شمار مسلمانان بومی موسوم به «سواحیلی» هستند که طی دو دهه گذشته به تدریج به تشیع گرویده‌اند. علاوه بر آن، شماری از افراد قبایل کیکویو و دوروما طی دو دهه گذشته به تدریج به مذهب اهل‌البیت (ع) متمایل شده و بر اثر پیوستن رئیس و چند تن از افراد صاحب‌نفوذ این قبایل به تشیع، رسماً به مذهب اهل‌البیت (ع) گرویده‌اند (پورمرجان، ۱۳۸۰: ۷-۶).



پیشینه ورود مذهب اهل‌البیت (ع) به جامعه مسلمانان بومی کنیا به اواخر دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد. در این دوره طی سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ هجری - شمسی، چند مسلمان سیاه‌پوست کنیایی توسط شیعیان خوجه اثنی‌عشری کنیا به ایران اعزام و در مدارس دینی تحت سرپرستی آیت‌الله شریعتمداری مشغول تحصیل شدند. این طلاب در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ پس از پایان دروس طلبگی خویش به کنیا بازگشتند. این شیعیان بومی را می‌توان اولین پیروان مذهب اهل‌البیت (ع) در این کشور دانست که به تدریج زمینه‌های پذیرش مذهب شیعه را بین مسلمانان آن کشور مهیا کردند و البته از کمک‌ها و پشتیبانی‌های شیعیان خوجه اثنی‌عشری بهره‌مند بودند. در آن دوره شیعیان خوجه اثنی‌عشری چند مدرسه و مسجد را در شهرهای ماکینتون،^۱ امسونگولنی^۲ و سامبورو^۳ احداث کردند که بخشی از هزینه این مراکز از سهم امام مقلدان آیت‌الله شریعتمداری تأمین می‌شد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و صدور امواج توفنده این نهضت عظیم مردمی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) از مهم‌ترین دلایل افزایش شمار شیعیان بومی این کشور بود که این روند تدریجی با افت و خیزهایی طی دو دهه اخیر تداوم دارد.

رهبر معنوی همه شیعیان بومی کنیا، شیخ عبداللّهی ناصر است که پس از گرایش به مذهب تشیع و نگارش کتب و جزواتی در ارتباط با مذهب اهل‌البیت (ع)، نقش بسیار مهمی در افزایش شمار پیروان تشیع ایفا کرد. این عالم بزرگوار با بهره‌گیری از معلومات بسیار وسیع خود در زمینه تاریخ اسلام و اصول عقاید شیعی در چند مرحله به مناظره با علمای وهابی و دست‌نشانندگان آنان در کنیا پرداخت و با شکست آنان جایگاه والای شیعه و برحق بودن آن را به تمامی مسلمانان این کشور اعلام کرد. سلسله سخنرانی‌های شیخ عبداللّهی ناصر که در قالب نوارهای صوتی و تصویری بین مسلمانان کشور، به ویژه در مناطق حاشیه

1. Mackinnon
2. Msongoleni
3. Samburu



اقیانوس هند توزیع می‌شد، مشوق بومیان مسلمان در روی آوردن به مذهب اهل‌البیت(ع) بود؛ از این رو در مبحث تشیع در کنیا و حتی کشورهای اطراف از جمله تانزانیا هیچ‌گاه نباید از نام این اندیشمند و متفکر بزرگ غفلت ورزید (عرب احمدی، ۱۳۸۶: ۴۶-۵).

۲. مناسبات شیعیان بومی با سایر پیروان دین اسلام

(الف) روابط با شیعیان خوجه اثنی عشری و سایر فرق اسلامی

درباره مناسبات شیعیان بومی کنیا و تانزانیا با شیعیان خوجه اثنی عشری (که در مبحث مربوط به شیعیان خوجه نیز برخی زوایای آن بررسی شد) باید گفت این روابط همواره حالت ارباب - رعیتی داشته و با توجه به رفتارهای تبعیض‌آمیز خوجه‌ها با سیاهان، شیعیان بومی آنها را به نوعی خوجه‌ایسم متهم می‌کنند. به‌رغم هزینه‌هایی که فدراسیون شیعه خوجه اثنی عشری جماعت افریقا برای توسعه مذهب تشیع بین سیاهان مسلمان انجام داده است، صمیمیتی بین این دو گروه شیعه که تنها رنگ پوست آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، وجود ندارد. شیعیان بومی بارها به رفتار شیعیان خوجه اثنی عشری اعتراض کرده‌اند و در عین قدردانی از کمک‌های آنها در زمینه رسیدگی به وضعیت شیعیان بومی و فعالیت‌های تبلیغی سازمان بلال مسلم میشن، دیدگاه تحقیرآمیز خوجه‌ها به سیاهان و اختلاط نداشتن با بومیان را خلاف رویه ائمه اطهار(ع) و اصول مکتب اهل‌البیت(ع) می‌دانند. آنان برگزاری مراسم و مناسبت‌های شیعی برای شیعیان بومی را که بلال مسلم میشن به صورت جداگانه برگزار می‌کند، از مظاهر این رفتار نخوت‌آمیز می‌خوانند و از اینکه شیعیان خوجه اثنی عشری به گونه‌ای غیرمستقیم مانع حضور شیعیان بومی در مجالس مذهبی و محافل خود می‌شوند، به شدت گله‌مند هستند (عرب احمدی، ۱۳۸۹: ۲۳۴).

برخلاف مناسبات غیرصمیمانه بومیان با خوجه‌های اثنی عشری و همچنین شیعیان شش امامی آقاخانی و بهره‌داوودی، مناسبات سیاهان پیرو مذهب تشیع با

فرقه‌های مختلف اهل سنت و فرق متصوفه بسیار خوب و صمیمانه است و در تمام مراسم‌های اسلامی که در مساجد اهل سنت برگزار می‌شود، شرکت و همکاری می‌کنند. این روابط با طریقت‌های متصوفه شاذلیه، مریدی، تیجانیه و قادریه که محب اهل البیت (ع) هستند و به امامان شیعه به ویژه حضرت علی (ع) عشق می‌ورزند، بسیار عمیق‌تر است (گفت‌وگو با دکتر عرب احمدی، تهران، پاییز ۱۳۹۴).^۱

رابطه بومیان پیرو مذهب اهل البیت (ع) با مسیحیان این کشورها، نظیر سایر مسلمانان دوستانه است و در برخی موارد حتی ازدواج‌هایی بین آنها و مسیحیان صورت گرفته است بدون آنکه ادیان اسلام و مسیحیت در این ارتباطات خویشاوندی نقشی ایفا کنند.

شیعیان بومی از فرقه ضاله وهابیت عمیقاً متنفرند و هیچ‌گاه به مبلغان بومی و عربستانی وهابی روی خوش نشان نداده‌اند که البته همین امر موجب شده است در بسیاری مواقع با کینه‌توزی‌ها و توطئه‌های وهابیون مواجه شوند. شیعیان بومی از هرگونه ارتباط با فرق ضاله احمدیه و بهائیت خودداری می‌کنند و این فرق پوشالی را ساخته دست استعمارگران می‌دانند؛ در حالی که اکثر آنها اطلاعات چندانی از این دو فرقه ضاله ندارند و صرفاً بر مبنای تعالیم رهبران و شیوخ خود از این فرق گریزان هستند.

ب) مناسبات شیعیان بومی با طریقت‌های متصوفه

طریقت‌های صوفیه در حال حاضر بخش زیادی از جمعیت کشورهای تانزانیا و کنیا را شامل می‌شوند. طریقت‌های قادریه، شاذلیه، عسگریه و رفاعیه در زمره مهم‌ترین فرقه‌های متصوفه هستند که در شهرها و روستاهای کشورهای تانزانیا و کنیا به ویژه در مناطق ساحلی این دو کشور حضور چشم‌گیری دارند (Trimingham, 1964: 98).

این دراویش که سلسله مراتب و خانقاه‌های خاصی دارند، پیروان زیادی در شهرها و روستاهای مسلمان‌نشین کنیا و تانزانیا جذب کرده‌اند و امروزه آداب و

۱. در ارتباط با این مناسبات توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

رسوم و سنت‌های جالب آنها بین مسلمانان اهل سنت نیز راه یافته است. از این رو برخی مراسم طریقت‌های مذکور نظیر ذکرخوانی، دعا خواندن به صورت دسته‌جمعی و زندگی بسیار ساده و دور از هر گونه تجمل شیوخ و بزرگان متصوفه در مناطق مسلمان‌نشین شرق افریقا، به عنوان نوعی سرمشق و الگو، توجه سایر مسلمانان را جلب کرده است. مرشدان و شیوخ دراویش همچنین به دلیل اعمال ریاضت‌گونه و فضل و دانش بالای خود و نیروی الهی که به اصطلاح «برکه»^۱ خوانده می‌شود، گاه کرامات و اعمال خارق‌العاده‌ای به نمایش گذاشته‌اند. چنین کرامات و اعمالی نه تنها التیام دردها و آلام مریدان است، بلکه به عنوان میانجی بین خداوند متعال و آنها در نظر گرفته می‌شود. این گونه اعمال که ریشه در باورها و سنت‌های کهن قبایل مختلف افریقا دارد، همواره با استقبال فراوان مسلمانان مواجه شده و به نوعی تلفیق‌دهنده تعالیم اسلامی با سنت‌های بومی آنهاست.^۲ شباهت سنت‌های متصوفه با باورها و آیین‌های بومی سبب جذب برخی بومیان به فرقه‌های متصوفه قادریه، شاذلیه و... به خصوص در مناطق داخلی کشورهای کنیا و تانزانیا شده است.^۳ این طریقت‌ها بر اساس اصول اعتقادی خود، رابطه مرید و مرشدی را بسیار مهم و اطاعت و فرمانبرداری را شرط اصلی پیروان خود می‌دانند. رهبران این فرق متصوفه بر مطالعه متون مقدس اسلامی، قرائت قرآن کریم، عبادت‌های دسته‌جمعی، ذکر پروردگار و نماز تأکید خاصی دارند و معتقدند رستگاری مؤمنان با عمل و پای‌بندی به اصول اخلاقی

1. Baraka

۲. مدیوم (Medium) یا واسطه، نشأت‌گرفته از آیین‌های سستی افریقا است که هنوز رگه‌هایی از آن بین مسلمانان و مسیحیان قاره افریقا وجود دارد. این افراد همان روح‌گیرانی هستند که مدعی‌اند قدرتی ویژه دارند و می‌توانند با ارواح ارتباط برقرار کنند و در مواقع بروز مشکلات از طریق این امواج به رفع مشکلاتی نظیر بیماری افراد، بلایای طبیعی و... پردازند. نقش واسطه‌گونه این افراد از آیین‌های سستی افریقا که معمولاً در حاله‌ای از رمز و راز و ابهام قرار دارد، پس از ورود اسلام و مسیحیت به مناطق مختلف قاره افریقا، بین مسلمانان نیز راه یافته و این امر در طریقت‌های متصوفه که معمولاً عبادات آنها با برخی اعمال شگفت‌آور همراه است، شدت بیشتری پیدا کرده است.

3. John L. Esposito (ed), "The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World" پ Oxford University Press, Vol. 4, 1195, PP.182 تا 3.

اسلام حاصل می‌شود. آنان همه هم‌کیشان خود را برابر و برادر می‌دانند و معمولاً مدعی داشتن سلسله نسب معنوی هستند که به صحابه پیامبر اکرم(ص) و از طریق آنان به خود پیامبر(ص) می‌رسد. اعتقاد به صوفیان بزرگ که معمولاً اولیاءالله نامیده می‌شوند، بین این طریقت‌ها رایج است و گاه جنبه مبالغه‌آمیز به خود می‌گیرد.

طریقت‌های موجود در کشورهای تانزانیا و کنیا دوستدار و عاشق اهل‌البیت(ع) هستند و احترام فراوانی برای ائمه اطهار(ع) به خصوص امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) قائل‌اند. از این رو مریدان فرق متصوفه با شیعیان بومی کشورهای مختلف از جمله کنیا و تانزانیا رابطه خوبی دارند و در مقابل از دشمنان سرسخت وهابیون به شمار می‌روند. این امر موجب ایجاد نوعی اتحاد و انسجام بین آنها ضد وهابیون و طرفداران افراطی آنها شده که در برخی مواقع رنگ خشونت نیز به خود گرفته و موجب درگیری‌هایی بین دراویش و شیعیان بومی با طرفداران وهابی شده است. البته برخی از آداب و رسوم طریقت‌های متصوفه همچون مراسم ذکرخوانی طریقت‌های قادریه و شاذلیه که اغلب با سرایش اشعار محلی و آوازخوانی و حرکت‌های موزون نمایشی همراه است، مورد تأیید علمای شیعه و اهل سنت تانزانیا نیست و بیشتر این‌گونه اعمال را بدعت می‌خوانند؛ با وجود این در حال حاضر مناسبات بسیار خوبی بین شیعیان و طریقت‌های مختلف وجود دارد که بخش عمده آن به سبب عشق دراویش به مذهب و مکتب اهل‌البیت(ع) است.

ج) مناسبات شیعیان بومی با پیروان آیین‌های سنتی

شیعیان بومی تقریباً هیچ نوع ارتباطی با بومیان پیرو آیین‌های سنتی ندارند که علت آن عمدتاً دور بودن آنیمیست‌هایی نظیر قبایل ماسایی و سمبورو از مراکز شهری و روستایی و زندگی در مناطقی دورافتاده است. با این حال مسلماً در صورت ایجاد ارتباط مؤثر و سازنده بین این دو گروه، شیعیان بر پیروان آیین‌های





بومی تأثیر می‌گذارند و می‌توانند بومیان را به پذیرش دین اسلام و مذهب تشیع رهنمون شوند و تشویق کنند. گفتنی است با وجود گسترش چشم‌گیر دین اسلام یا فعالیت تبلیغی میسیونرهای مسیحی در کشورهای کنیا و تانزانیا، آیین‌های بومی برجای‌مانده از نسل‌های پیشین، هنوز پیروان زیادی در این کشورها دارد. طبق برخی آمارها، ۱۰ تا ۳۰ درصد مردمان کنیا و تانزانیا همچنان در زمره معتقدان به آیین‌های بومی و سنتی هستند.^۱

۱. آیین‌های بومی و سنتی در این کشورها مبتنی بر دو اصل آنیمیزم و فیتیشیزم است. این به اصطلاح ادیان سنتی براساس نوع تفکر پیروان‌شان در پرستش ارواح درگذشتگان و اعتقاد به نیروهای ماوراءالطبیعه در قالب اشیایی نظیر سنگ، درخت، استخوان، شاخ حیوانات و... به چند آیین مجزا از یکدیگر تقسیم می‌شوند. با این حال اصول کلی حاکم بر این آیین‌های سنتی همچون پرستش و تقدیس اجداد و نیاکان، اعتقاد به ارواح و نقش آنها در زندگی روزمره انسان‌ها، وحشت از جادوگران شرور، استمداد از افراد موسوم به پزشک جادوگر هنگام بروز مشکلات روحی و جسمی، انجام اعمال عبادی گوناگون و قرائت برخی اوراد هنگام پدید آمدن برخی حوادث طبیعی، مقدس شمردن مجسمه‌هایی که تجسمی از قدرت خدایان محسوب می‌شوند، اعتقاد به طلسم و جادو به عنوان نیروهایی ناشناخته خارج از قدرت بشر و... مشترک است. این آیین‌ها بر چند محور عمده تکیه دارند. یکی از مهم‌ترین اصول این آیین‌ها خداآوری و اعتقاد به خداوندی است که جهان هستی را خلق کرده است و همواره زندگی می‌کند و مرگ و نیستی در او راه ندارد. آنان خداوند را قدرتمند، مصون از گناه و اشتباه، خردمند و توانا می‌دانند؛ با این حال معتقدند هرگاه انسان‌ها مرتکب عمل خطایی شوند که خشم خداوند را برانگیزد، با حوادث و فاجعه‌هایی طبیعی نظیر مرگ، زمین‌لرزه، توفان‌های سهمگین، باران‌های سیل‌آسا و گرمای عذاب‌آور و کشنده مواجه خواهند شد که موجب از بین رفتن محصولات کشاورزی و حیوانات آنان می‌شود.

اعتقاد به ارواح درگذشتگان از اصول مهم آیین‌های بومی کنیا و تانزانیا است. بومیان ارواح مردگان را ناظر بر اعمال و رفتار زندگان می‌دانند و معتقدند انسان‌ها در صورت گناه و خطا از سوی ارواح نیز مجازات می‌شوند و تأکید دارند در این گونه موارد باید موجبات رضایت‌خاطر ارواح خشمگین را فراهم آورد. جلب رضایت این ارواح معمولاً از طریق افرادی که روح‌گیر نامیده می‌شوند و طی مراسمی توأم با تشریفات خاص صورت می‌گیرد و فرد یا افرادی که مورد خشم ارواح قرار گرفته و روح‌زده شده‌اند، در پایان این مراسم شفا می‌یابند.

جادو و سحر از ارکان دیگر آیین‌های بومی و سنتی این کشورها به‌شمار می‌رود که پیروان این آیین‌ها به شدت از آن وحشت دارند. آنان سحر و جادو و دست‌یازیدن به چنین اعمالی را موجب بدبختی مردم و آزار و زیان رسیدن به آنها می‌دانند. در رأس این نیروی شیطانی افرادی موسوم به جادوگران و ساحران قرار دارند که بر نیروهای ماوراءالطبیعه تسلط دارند و از این طریق مردم را به بلایای مختلفی دچار می‌سازند.

تقدیس و بزرگداشت پیشینیان به ویژه رؤسای قبایل و سرسلسله و بنیان‌گذاران دودمان و قهرمانان از اصول مسلم و بدیهی پیروان آیین‌های سنتی تانزانیا و کنیا است و برخی قبایل که در زمره پیروان آیین‌های بومی به‌شمار می‌روند جایگاه و احترام زیادی برای اجداد خود قائل‌اند. آنان در مکان‌های خاصی که حالت معبد و نیایشگاه دارد به گرامیداشت نیاکان و اجداد خود می‌پردازند و از ارواح آنها درخواست می‌کنند به یاری آنان در مقابله با مشکلات بپردازند و از بومیان در مقابل جادوگران و نیروهای شر و مودی حمایت کنند.

حفظ طبیعت و احترام به اشیا و اجسام مختلف همچون مجسمه، سنگ‌های بزرگ، چوب‌هایی

۳. راهبرد وهابیت ضد مذهب اهل البیت (ع) در کنیا و تانزانیا

فرقه ضاله وهابیت در حال حاضر امکانات گسترده‌ای در کشورهای کنیا و تانزانیا دارد و عربستان سعودی با بهره‌گیری از امکانات وسیع خود در صدد توسعه این فرقه پوشالی در این کشورهاست و در این راه از ترفندهای گوناگون نظیر اهدای کمک‌های مالی به شیوخ و علما، اعطای بورسیه‌های تحصیلی، احداث مساجد و مدارس، نفوذ بر سازمان‌های اسلامی و... نیز بهره می‌گیرد. با این حال وهابیت تاکنون نتوانسته است به اهداف خود در کشورهای مذکور نایل آید و مخالفت شدید شیعیان بومی و خوجه اثنی عشری در کنار چالش سنگین اهل سنت و پیروان طریقت‌های متصوفه با وهابیون، مانع تحقق دیده‌گاه‌های وهابی‌ها در این دو کشور شده است.

وهابیون که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به تدریج در بخش‌هایی از کشورهای تانزانیا و کنیا رسوخ کرده و موفق به جذب برخی بومیان با سوءاستفاده از ناآگاهی آنها و همچنین بهره‌گیری از توزیع بی‌دریغ دلارهای نفتی شده بودند، با موانع جدی مواجه نبودند و بیشترین چالش آنها، پیروان طریقت‌های متصوفه بودند. ظهور انقلاب اسلامی یکباره سد عظیمی در مقابل اقدامات تبلیغی مسموم وهابیون پدید آورد؛ از این رو پس از ورود مبلغان جمهوری اسلامی ایران به کشورهای کنیا و تانزانیا در اوایل دهه ۱۹۸۰ (به موازات سایر کشورهای افریقایی)، وهابیون به اقدامات خود برای توسعه این آیین ضاله شدت بخشیدند و در این ارتباط علاوه بر توسعه فعالیت‌های تبلیغی خود و توزیع مبالغ هنگفت مالی بین سازمان‌های اسلامی و علما و شیوخ طرفدار، سعی کردند به مقابله با

عجیب و برخی سنگریزه‌ها از ارکان دیگر آیین‌های سنتی به شمار می‌رود و پیروان این آیین‌ها اشیای مذکور را دارای قدرتی ماورا الطبیعه می‌دانند که می‌توانند به انسان‌ها کمک کنند و از آنها در مقابل دشمنان‌شان محافظت کنند.

آخرین رکن اساسی آیین‌های بومی کنیا و تانزانیا احترام فوق‌العاده به رؤسای قبایل و در نظر گرفتن موقعیتی واسطه‌گونه بین مردم و خدای بزرگ برای آنان است. پیروان آیین‌های بومی، رؤسای قبایل را موجوداتی مقدس می‌دانند که از سوی خداوند به رهبری و هدایت جامعه خود برگزیده شده‌اند و همه افراد قبیله باید به فرامین و دستورهای آنان گردن نهند.



امواج توفنده انقلاب اسلامی ایران پردازند. آنها در راستای این سیاست جدید سعی کردند با طرح برخی اتهامات، چهره‌ای مخدوش از تشیع نزد مسلمانان ترسیم کنند و مانع گسترش مذهب اهل‌البیت(ع) شوند. شیوخ و علمای وابسته به وهابیون در حرکتی هماهنگ در سخنرانی‌های خود در مساجد و مدارس اسلامی، شیعیان را رسماً کافر و رافضی خواندند و مسلمانان را از هر گونه ارتباط با ایرانیان و مسلمانانی که به تازگی به مذهب تشیع گرویده بودند، برحذر داشتند. با این حال وهابیون عملاً نتوانستند مانع ورود مذهب اهل‌البیت(ع) به شهرها و روستاهای کنیا و تانزانیا شوند و برخلاف انتظار آنها، از آنجا که مذهب تشیع مطابق فطرت پاک انسانی است، آموزه‌های اهل‌البیت(ع) به تدریج به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ به مناطق مختلف کشورهای مذکور راه یافت (عرب احمدی، ۱۳۹۴: ۳۲-۳۳).

استراتژی عربستان در مقابله با توسعه تشیع و تلاش برای گسترش آیین ضاله وهابیت طی یک دهه اخیر تا حدودی تغییر کرده است و شیوخ وهابی که عمیقاً از تنفر عموم مسلمانان از وهابیت آگاهی کاملی یافته‌اند، تلاش کرده‌اند با فعالیت‌های خیریه، انسان‌دوستانه و عام‌المنفعه که مؤسسات امدادی مردم‌نهاد انجام می‌دهید، وجهه خود را بازیابند. فعالیت آنان بیشتر شامل احداث مساجد و مدارس در شهرها و روستاهای مسلمان‌نشین، حفر چاه‌های آب آشامیدنی در روستاها، ترمیم برخی جاده‌های بین شهری و... می‌شود. علاوه بر آن همه ساله بورسیه‌های تحصیلی متعددی در اختیار طلاب واجد شرایط مدارس اسلامی خود قرار می‌دهند و درصددند حداقل بخشی از شیوخ مشهور این کشورها را وابسته به خود کنند و در این راه از اعطای مبالغ هنگفت مالی نیز دریغ نمی‌ورزند. وهابی‌ها در حال حاضر مساجد و مراکز آموزشی متعددی در شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ تانزانیا و کنیا دارند. علاوه بر آن، مدیریت ده‌ها مدرسه اسلامی در شهرهای مختلف کشورهای مذکور بر عهده آنهاست. «رابطه العالم الاسلامیه»،



نمایندگی رسمی وهابیون نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم در زمینه تبلیغ فرقه ضاله وهابیت فعالیت می کند.

وهابیون همه ساله بخش مهمی از توان مالی و انسانی خود را در کشورهای شرق افریقا صرف مبارزه با تشیع می کنند که تألیف و نشر کتب، مجلات و جزوه های ضد شیعی تنها بخشی از مبارزه آنهاست. علاوه بر آن سخنرانان و علمای وهابی همواره به بدگویی علیه تشیع می پردازند و برای تثبیت ادعای خود مبنی بر مشرک بودن شیعیان، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده اند. این امر، جدای از هزینه های فراوانی است که سازمان های رسمی و غیررسمی وهابی در راه جذب و حداقل ممانعت ائمه جمعه و جماعات کنیا و تانزانیا از روی آوردن به شیعه و مذهب اهل البیت (ع) صرف می کنند. سازمان های وهابی و در رأس آنها رابطه العالم الاسلامیه گاه در چالش و دشمنی با تشیع به قدری دچار افراط می شوند که هدف اصلی خود را که گسترش دین اسلام در این کشورهاست، به فراموشی می سپارند. از افراطی گری های جریان های وهابی، ایجاد اخلال و کارشکنی در مراسم ها و مناسبت های دینی است که سازمان های شیعی برگزار می کنند. معمولاً برخی از عوامل وهابی با حضور در این مراسم ها سعی در ایجاد اغتشاش و آشوب دارند (گفت و گو با شیخ عمر باقر مایونگا، رئیس بنیاد امام باقر (ع)، دارالسلام، ۱۳۸۷).

مقامات دینی عربستان برای پوشش اهداف تبلیغی خویش و جلوگیری از بروز حساسیت بین مسلمانان مخالف، طی دو دهه گذشته اکثر اقدامات خود را از طریق سازمان هایی (به ظاهر) مستقل از رابطه العالم الاسلامیه انجام می دهند. این سازمان ها که بخش عمده اقدامات وهابی گری را در کشورهای شرق افریقا انجام می دهند، عبارت اند از:

– انجمن بین المللی کمک های انسان دوستانه^۱

۱. این سازمان به ظاهر سازمانی غیردولتی است که در راستای اعطای کمک های جنسی و نقدی به مسلمانان فقیر و مستمند کشورهای مختلف گام برمی دارد. با این حال طی یک دهه گذشته ارتباط آن با گروه های تندرو وهابی و جریان ها افراطی سلفی گری وابسته به القاعده مشخص شده است. فعالیت



- انجمن جهانی جوانان مسلمان^۱

- سازمان کمک به مردم افریقا^۲

- بنیاد الحرمین^۳

- سازمان بین المللی کمک‌های اسلامی^۴

- بنیاد ابراهیم بن عبدالعزیز الابراهیم^۵

- شورای جهانی مساجد

- دارالافتاء

- منظمه الحیاه الطیبه^۶

- مؤسسه الندوه الاسلامیه^۷

وهابیون با وجود اقدامات گسترده، هنوز در تحقق اهداف خود در دو کشور راهبردی تانزانیا و کنیا موفق نبوده‌اند و به نظر می‌رسد با رشد و ارتقای تدریجی

«انجمن بین‌المللی کمک‌های انسان‌دوستانه» در کنیا از سال ۱۹۹۸، پس از حمله انتحاری القاعده به سفارت آمریکا در نایروبی غیرقانونی اعلام شده و در تانزانیا نیز با محدودیت‌هایی مواجه است (امیربهرام عرب احمدی، «چالش‌های ایالات متحده آمریکا و القاعده در شرق آفریقا»، فصلنامه علمی پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۴).

۱. این سازمان معمولاً با سازمان‌های متعلق به جوانان مسلمان در کشورهای مختلف قاره آفریقا ارتباط دارد و از طریق برگزاری مراسم و سمینارهای بزرگ اسلامی ظاهراً درصدد ارتقای سطح معلومات مسلمانان (و در باطن معرفی و تبلیغ آیین وهابیت) است. انجمن جهانی جوانان مسلمان از فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه کمک به مسلمانان مستمند شرق آفریقا و توزیع کمک‌های نقدی و جنسی به مسلمانان آسیب‌دیده از خشکسالی و حملات شورشیان ضد دولتی برخوردار است (امیربهرام عرب احمدی، اسلام در شرق آفریقا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۱۸۳).

۲. این سازمان به‌رغم ظاهر موجه و خیرخواهانه خویش، به دلیل ارتباط با جریان‌های افراطی سلفی‌گری از جمله القاعده در کنیا غیرقانونی اعلام شده است.

۳. بنیادالحرمین یکی از تندروترین مؤسسات ضد شیعی عربستان است که طی دو دهه گذشته اقدامات گوناگونی برای تبلیغ وهابی‌گری و مبارزه با روند رو به رشد مذهب اهل بیت(ع) در شرق آفریقا انجام داده است. فعالیت بنیادالحرمین در کنیا به دلیل ارتباط آن با سازمان القاعده ممنوع اعلام شده است.

۴. این سازمان با وجود ظاهر موجه و خیرخواهانه از سازمان‌های تندروی وهابی به شمار می‌رود و فعالیت آن در کنیا از سال ۱۹۹۸ به دلیل ارتباط با القاعده غیرقانونی اعلام شده است.

۵. اقدامات این سازمان از سال ۱۹۹۸ به دلیل ارتباط با جریان‌های افراطی سلفی‌گری و القاعده در کنیا و تانزانیا غیرقانونی اعلام شده است.

۶. فعالیت عمده این سازمان احداث مساجد و حفر چاه‌های آب آشامیدنی در شرق و سایر مناطق قاره آفریقا است.

۷. فعالیت اصلی سازمان مذکور تهیه تجهیزات و وسایل آموزشی و کمک‌آموزشی مدارس اسلامی، حفر چاه آب آشامیدنی، احداث مساجد و مدارس اسلامی و برگزاری برخی مناسبت‌های اسلامی است.

سطح معلومات ناشی از امواج توفنده بیداری اسلامی، عمق نفوذ وهابیت در این کشورها به شدت کاهش یافته و خصومت آنها با عموم مسلمانان به بهترین شکل آشکار شده است.

۴. استراتژی بهائیت در قبال شیعیان بومی

یکی از گروه‌های معاند مکتب اهل‌البیت (ع) و مخالف جمهوری اسلامی ایران در کشورهای تانزانیا و کنیا، فرقه بهائیت است که طی چند دهه گذشته به انحای مختلف درصدد کارشکنی در روند گسترش دین اسلام، به ویژه تشیع در این کشورها بوده است. سنگ بنای تأسیس این فرقه ضاله در کشورهای مذکور به دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. در این سال‌ها برخی مبلغان این فرقه ضاله از سوی مرکز به اصطلاح عدل جهانی بهائیت به منظور تبلیغ آیین این مذهب پوشالی در شهرهای نایروبی و دارالسلام استقرار یافتند و با بهره‌گیری از ارتباطات خود با کارگزاران انگلیسی وقت، اقدام به تأسیس مراکز موسوم به «بهائی ستر» کردند. بهائی‌ها طی سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۰ چند شعبه دیگر در شهرهای مختلف کشورهای تانزانیا و کنیا تأسیس کردند و سعی وافری برای افزایش شمار پیروان خود داشتند که موجب ایجاد حلقه‌ای نه نفره از پیروان اصلی بهائیت در پایتخت و سایر شهرهای کشورهای مذکور شد. در این سال‌ها مرکز به اصطلاح عدل جهانی بهائیت در شهر حیفا در اسرائیل به گسترش این فرقه همت گماشته و آن دسته از بومیان کنیایی و تانزانیایی که آیین ضاله بهائیت را پذیرفته بودند، تحت پوشش مالی خود قرار داده بود (گفت‌وگو با دکتر عرب احمدی، مهر ۱۳۹۴).

مراکز بهائی از آن زمان تاکنون در پایتخت‌ها و مراکز استان‌های این دو کشور فعالیت دارند و به رغم کندی پیشرفت، به مدد دلارهای بی‌دریغ ارسالی از ایالات متحده امریکا و اسرائیل توانسته‌اند برخی افراد را به سوی خود جذب کنند. در حال حاضر بهائیت مراکز آموزشی در کشورهای مذکور دارد و بهائی سترهای



دارالسلام و نایروبی عمدتاً از طریق مراکز خود، برخی کتب تبلیغی این فرقه ضاله را در شهرها و روستاهای مسلمان‌نشین این کشورها توزیع می‌کنند. مهم‌ترین کتابی که این شعبه‌ها در مناطق مختلف تانزانیا و کنیا توزیع می‌کنند، «کتاب اقدس» است که مرکز موسوم به عدل جهانی در حیفا آن را چاپ و معمولاً در محموله‌های متعدد به کشورهای مختلف جهان ارسال می‌کند.

صرف‌نظر از فعالیت‌های انتشاراتی و تبلیغی، بهائی‌های کنیا و تانزانیا تأکید خاصی بر انجام اقدامات اجتماعی و اقتصادی در این کشورها به ویژه در مناطق روستایی دارند. بر مبنای شعار فریبنده این فرقه ضاله که می‌گوید «ثروت زیاد و فقر شدید باید تعدیل شود و همه افراد جامعه از نعمت‌های خداوند بهره‌مند شوند»، بهائیان در برخی روستاها از کشاورزان (عمدتاً مسلمان) حمایت مالی و تدارکاتی می‌کنند تا از این طریق شمار پیروان خود را در مناطق روستایی افزایش دهند.

بهائی‌ها طی یک دهه اخیر چند عبادتگاه در دارالسلام و نایروبی احداث کرده‌اند که علاوه بر فعالیت‌های به اصطلاح دینی، اقدامات آموزشی هم انجام می‌دهند. از فعالیت‌های دیگر بهائی‌ها در کشورهای مذکور برگزاری سمینارها و میزگردهای محلی است.

براساس اطلاعات نه چندان متقن و مورد وثوق موجود، تعداد کل پیروان فرقه ضاله وهابیت در سراسر کشورهای تانزانیا و کنیا حدود ۴۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار نفر است. این تعداد با توجه به تبلیغات شصت و اندی ساله بهائی‌ها و سرمایه‌گذاری عظیم آنها در این کشورها بسیار ناچیز و نشان‌دهنده این واقعیت است که بهائیت عملاً پایگاهی در تانزانیا و کنیا ندارد و تنها با حمایت‌های بی‌دریغ ایالات متحده و اسرائیل به کندی در حرکت است. اصول کلی این آیین دروغین نیز به‌رغم جذابیت‌های ظاهری و تبلیغات فریبنده خود نتوانسته است طرفداران چندانی به خود اختصاص دهد. بهائی‌های تانزانیا و کنیا صبح هر چهارشنبه و شنبه در مراکز بهائیت گرد هم می‌آیند و به قرائت سرودهای خاص



خود می پردازند. آنان براساس تعالیم ویژه این فرقه ضاله، فاقد روحانیون رسمی هستند و به جای آن مبلغانی دارند که وظیفه اصلی شان تبلیغ بین مسلمانان شهرها و روستاهای کنیا و تانزانیاست.

با آنکه فرقه ضاله بهائیت هم اکنون در شهرها و برخی روستاهای تانزانیای و کنیا فعالیت دارد و هزینه های زیادی را صرف امور تبلیغی می کند، بومیان این کشورها اعم از مسلمانان و مسیحیان، هنوز این فرقه ضاله را آیینی مبهم و اسرارآمیز می دانند. در واقع اکثر مسلمانان و مسیحیان تانزانیای و کنیا، بهائیت را فاقد جذابیت خاص می دانند و پیروان این آیین باطل نیز بیشتر به دلیل فقر و مسکنت جذب آن شده اند و در دل اعتقادی به آن ندارند. علاوه بر آن پیروان دین اسلام، به ویژه شیعیان بومی، ضمن مردود شمردن تبلیغات بهائیان، معرفی «بهاءالله» به عنوان پیامبر (ص) را به شدت رد می کنند و این مذهب پوشالی را ابزاری برای تضعیف دین اسلام و ضربه زدن به مذهب اهل البیت (ع) در نظر می گیرند و ریشه آن را به استعمار پیر انگلستان و سپس ایالات متحده امریکا و اسرائیل پیوند می زنند (گفت و گو با دکتر عرب احمدی، مهر ۱۳۹۴).

۵. استراتژی مسیحیت در قبال شیعیان بومی

مسیحیت در تانزانیای و کنیا با ورود میسیونرهای به اصطلاح تبشیری به کشورهای مذکور در قرون هجده و نوزده میلادی پا گرفت. هدف این میسیونرها مقابله با روند رو به رشد دین اسلام در مناطق شهری و روستایی و تلاش برای تغییر دین مسلمانان بومی به دین مسیح با پشتیبانی نرم افزاری و سخت افزاری کشورهای استعمارگر انگلیس، فرانسه و پرتغال بوده است. بدون پرداختن به جزئیات تاریخ مسیحیت در این دو کشور که خود موضوعی مفصل و طولانی است، باید گفت به رغم تقابل نیمه آشکار بین اسلام و مسیحیت در منطقه شرق آفریقای بزرگ، به ویژه دو کشور کنیا و تانزانیای که بیشتر ناشی از توطئه های میسیونرها و عوامل



مسیحی علیه دین اسلام و مسلمانان است، در مجموع مناسبات خوبی بین بدنه مسلمانان و مسیحیان کنیا و تانزانیا در سطوح متوسط و پایین وجود دارد. با این حال مسیحیان پشت پرده حاکم در این کشورها که نوعی دولت سایه تشکیل داده‌اند، هیچ‌گاه قلباً از رابطه خوب با مسلمانان به ویژه از اعطای پست‌های بالای مدیریتی به آنان راضی نبوده‌اند. این وضعیت در مورد شیعیان بومی نیز صادق است و نگرش مسیحیان سایه به آنان مانند سایر مسلمانان این کشورهاست. در این ارتباط کلیساهای کاتولیک، لوترین بپتیست، روز هفتم ظهور مجدد حضرت مسیح و... علاوه بر اقدامات تبلیغی گسترده در مناطق مسلمان‌نشین - از جمله مناطق استقرار شیعیان بومی - با سوءاستفاده از فقر و مسکنت مسلمانان این دو کشور (که به ویژه طی یک دهه اخیر و متعاقب بروز برخی بحران‌های سیاسی و اقتصادی تا حدودی تشدید شده است) و توزیع لباس، غذا و کمک‌های نقدی تلاش می‌کنند آنان را به دین مسیحیت متمایل کنند. علاوه بر آن فرقه‌های مختلف کلیسا در مدارس تانزانیا و کنیا مدام کتب و جزوه‌هایی را با هدف تبلیغ دین مسیحیت و خشن جلوه دادن دین اسلام توزیع می‌کنند. در این کتاب‌ها معمولاً مسیحیان افرادی صلح‌جو و مهربان و مسلمانان انسان‌هایی جنگ‌طلب معرفی شده‌اند.

در مجموع مناسبات بومیان شیعه با مسیحیان کنیا و تانزانیا در قالب مناسبات مردمی بسیار خوب و صمیمانه است؛ ولی دیدگاه مسیحیان حاکم نسبت به مسلمانان اعم از اهل سنت و شیعه، منفی و بدبینانه است. طی چند سال گذشته اقدامات برخی گروه‌های افراطی به این فضای توأم با شک و تردید دامن زده است. در عین حال با توجه به سیاست دولت‌های تانزانیا و کنیا که مبتنی بر احترام به ادیان مختلف است، در حال حاضر شیعیان بومی در کنار سایر مسلمانان کشورها، محدودیتی در انجام فعالیت‌های دینی ندارند و دولتمردان این کشورها ضمن حضور در گردهمایی‌های ویژه مسلمانان (و به‌ندرت در مراسم خاص



شیعیان بومی) تلاش می‌کنند تعادل در روابط بین مسلمانان و مسیحیان را حفظ کنند. از سوی دیگر شیعیان بومی طی سه دهه اخیر همواره در زمره آرام‌ترین و صبورترین گروه‌های دینی تانزانیا و کنیا بوده و هیچ‌گاه در صدد بروز اغتشاش یا شورش در این دو کشور برنیامده‌اند و حتی در جریان درگیری‌های خشن چند سال اخیر کنیا، از ورود به این منازعات سیاسی و تا حدودی قومی خودداری کرده و شیوه‌ای کاملاً آرام و بی‌طرف پیش گرفته‌اند.

با وجود عملکرد خردمندانه شیعیان بومی کنیا و تانزانیا در پرهیز از ورود به جریان‌های سیاسی، همان‌گونه که گفته شد، مسیحیان حاکم از ورود آنان به عرصه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی بیم دارند و تلاش می‌کنند مانع قدرت‌گیری شیعیان بومی در بخش‌های مختلف شوند. اما در مجموع مسیحیان حاکم با شیعیان کنیا و تانزانیا روابط خوبی دارند و در طول تاریخ این دو کشور هیچ‌گاه بحران یا حادثه مهمی بین پیروان مذهب تشیع و مسیحیان رخ نداده است (www.worldfactbook.com.christianity in east africa).

۶. مناسبات دولت‌های کنیا و تانزانیا با شیعیان

با توجه به اینکه شیعیان گروه کوچکی از مسلمانان کشورهای کنیا و تانزانیا را تشکیل می‌دهند، مناسبات دولت‌های مذکور با آنان صرفاً به عنوان بخشی از جامعه مسلمان این دو کشور در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که این دو اقلیت کوچک همواره سیاست آرام و محتاطانه‌ای در قبال دولت و تحولات سیاسی و فرهنگی کشورهای خویش پیش گرفته‌اند، هیچ‌گاه با حکومت مرکزی و دولتمردان دچار چالشی جدی نشده‌اند.

الف) مناسبات دولت کنیا با شیعیان بومی کنیا

در ارتباط با دیدگاه دولت کنیا در قبال شیعیان این کشور باید گفت حساسیت خاصی به تشیع بین مقامات دولتی به طور آشکار وجود ندارد و در بند ۱۷۸



قوانین حقوقی کنیا از شیعیان و حق دستیابی آنان به پست قضاوت دادگاه‌های اسلامی برای رسیدگی به وضعیت هم‌کیشان و ارتقای جامعه خود یاد شده است. با این حال مسئولان امنیتی و مدیران وزارت کشور کنیا دیدگاهی مشابه سایر مسلمانان به شیعیان دارند و آنان را از عوامل آشوب و هرج و مرج کشور و مرتبط با گروه‌های تروریستی همچون القاعده می‌دانند. شیعیان بومی در ثبت مراکز و مدارس خود همانند سایر مسلمانان با مشکلاتی مواجه‌اند. مسئولان دولتی معمولاً در ثبت این مراکز موانعی ایجاد می‌کنند که برای پیروان دین اسلام در این کشور معمولی و عادی است. علاوه بر آن، شیعیان بومی به موازات سایر مسلمانان کنیا، همواره مخالف رفتارهای تبعیض‌آمیز دولت نسبت به پیروان دین اسلام هستند و اقدامات دولت، علیه مسلمانان را فرایندی آگاهانه در محدود کردن دین اسلام در کنیا می‌دانند. آنان معتقدند دولتمردان به شیوه‌های مختلف از جمله ارائه ندادن تسهیلات لازم به مسلمانان و تلاش برای ایجاد خصومت و دشمنی بین آنان و مسیحیان در صددند چهره خشنی از دین اسلام در این کشور ترسیم و پیروان دین اسلام را افرادی مرتبط با سازمان‌های تروریستی معرفی کنند.^۱ با این حال دولت از نظر سیاسی و امنیتی تنگنای خاصی برای شیعیان بومی قائل نیست و شاید به دلیل شمار اندک، آنان را وزنه سنگینی بین مسلمانان کشور نمی‌داند (عرب احمدی، ۱۳۸۶: ۶۷).

ب) مناسبات دولت تانزانیا با شیعیان بومی

هرچند تانزانیا کشوری سکولار است که دین در تصمیم‌گیری‌های دولت آن

۱. مسلمانان کنیا (اعم از شیعه و اهل سنت) در جریان درگیری‌های انتخاباتی بین کیباکی و اودینگا در ژانویه ۲۰۰۸ بی‌طرفی خود را حفظ و از ورود به این رقابت‌های سیاسی خودداری کردند. این اقدام خردمندانه مسلمانان موجب شد ۶ پست کابینه و ۷ پست معاون وزیری از سوی دولت ائتلافی به مسلمانان واگذار شود. دولت به ویژه با تأسیس وزارت توسعه شمال کنیا و واگذاری این پست به یکی از مسلمانان سعی کرد استانداردهای زندگی را در ایالت شمالی که بخش عمده جمعیت آنان را گله‌داران مسلمان تشکیل می‌دهند، بهبود بخشد. با این حال حملات دو سال گذشته گروه تروریستی الشباب به دو مرکز آموزشی و تجاری در کنیا به فضای مبتنی بر اسلام‌هراسی در این کشور تا حدودی دامن زده است و مسیحیان ضد دین اسلام در حال بهره‌برداری از این وضعیت هستند.

نقشی ندارد و قانون اساسی تانزانیا نیز آزادی ادیان مختلف را به رسمیت شناخته است و پیروان ادیان مختلف اجازه دارند فعالیت‌های دینی خود را انجام دهند، ولی روابط دولت تانزانیا و مسلمانان کشور از ابتدای استقلال تاکنون فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است و مسلمانان اعم از اهل سنت و شیعیان با وجود تصریح اصل آزادی ادیان در قانون اساسی، همواره به تبعیض و بی‌عدالتی در مقایسه با مسیحیان اعتراض کرده‌اند.^۱ در واقع رهبران مسلمانان شیعه و سنی تانزانیا معتقدند گرچه دولت محدودیت خاصی برای فعالیت سازمان‌های اسلامی و مساجد در سراسر کشور قائل نیست و مناسبت‌هایی نظیر میلاد نبی(ص)، عید قربان و عید فطر را در زمره تعطیلات رسمی کشور قلمداد کرده است، در عمل دیدگاه دولت نسبت به مسلمانان در مقایسه با مسیحیان تفاوت‌های بارزی دارد. بخش عمده انتقادات مسلمانان (از جمله شیعیان بومی) تانزانیا از دولت که در برخی موارد به طور علنی مطرح شده عبارت است از:

- خودداری دولت تانزانیا از عضویت در سازمان همکاری‌های اسلامی؛
- خودداری دولت از به رسمیت شناختن دادگاه‌های اسلامی به بهانه پیش‌بینی نکردن تأسیس دادگاه‌های اسلامی در قانون اساسی تانزانیا؛
- تأخیر در ثبت سازمان‌های اسلامی در وزارت کشور تانزانیا؛
- برخورد‌های خشن دولت مرکزی تانزانیا با مسلمانان زنگبار؛
- ایجاد محدودیت در زمینه ادامه تحصیل مسلمانان در مقاطع آموزش عالی؛
- تسلط مسیحیان بر رسانه‌های گروهی کشور؛
- تلاش دولتمردان برای تشدید اختلافات داخلی گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی؛
- دستگیری و محکومیت بسیاری از مسلمانان به اتهام ارتباط با سازمان‌های تروریستی به ویژه القاعده طی یک دهه و نیم اخیر؛
- موضع انفعالی دولت در قبال فعالیت گسترده هیئت‌های تبشیری در روستاها

1. Human Rights Report, Tanzania, www.state.gov/2009.



و شهرهای مسلمان‌نشین؛

با وجود این چالش‌ها، مناسبات دولت تانزانیا با شیعیان بومی این کشور مانند مناسبات با سایر مسلمانان است و حساسیت دینی یا سیاسی خاصی درباره آنها وجود ندارد (عرب احمدی، ۱۳۹۳: ۸۸).

۷. چالش‌های شیعیان بومی

جامعه کوچک و اقلیت اهل‌البیت (ع) در کنیا و تانزانیا مانند سایر کشورهای آفریقای جنوب صحرای بزرگ، با مشکلات و چالش‌های تا حدودی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مواجه است:

- یکی از مشکلات فعلی شیعیان بومی دو کشور کنیا و تانزانیا کمبود مراکز آموزشی، کمبود مساجد شیعی در مناطق ساحلی، اطلاعات ناکافی شیعیان بومی از دین اسلام و تشیع، کمبود شدید علمای شیعه بومی، فقر اقتصادی و در عین حال فقر فرهنگی است. مساجد متعلق به شیعیان بومی در شهرهای نایروبی، مومباسا، مالیندی، دارالسلام، دودوما، زنگبار و... نیز بسیار محقرند و حداقل امکانات را دارند؛ به گونه‌ای که وسایل داخل این مساجد همچون منبر، بلندگو، موکت و قفسه‌های چوبی کتاب عمدتاً قدیمی و مستهلک هستند. علاوه بر آن وضعیت ظاهری شیعیان بومی حکایت از فقر شدید اقتصادی آنها دارد و لباس‌های کهنه و مندرس به خوبی از مشکلات فراوان معیشتی آنان حکایت می‌کند. با این حال اکثر مسلمانان اهل سنت بر این عقیده‌اند که این بومیان شیعه با دریافت مبالغ هنگفت از جمهوری اسلامی ایران و شیعیان خوجه اثنی عشری به تشیع گرویده‌اند. این سخنان که همواره غیرمستقیم و گاه مستقیم به آنها گوشزد می‌شود، فشار چندجانبه‌ای بر این مسلمانان صبور و صادق که صرفاً با عشق و علاقه مذهب اهل‌البیت (ع) را پذیرفته‌اند، وارد می‌آورد (عرب احمدی، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۶).

- فقدان ارتباط مستقیم بین شیعیان خوجه اثنی عشری و شیعیان بومی از مشکلات پیروان بومی مذهب اهل‌البیت (ع) است، زیرا شیعیان خوجه اثنی عشری

تمایل چندانی به اختلاط با سیاهان مسلمان ندارند و معمولاً سیاست آنان هدایت جامعه کوچک شیعیان بومی از راه دور و نظارت بر آنها به طور غیرمستقیم است. شیعیان بومی نیز نظر چندان مساعدی به شیوه‌های تبلیغی شیعیان خوجه اثنی عشری ندارند و معمولاً به دلیل فقر و مسکنت مالی دنباله‌رو آنها هستند. در واقع شیعیان خوجه اثنی عشری با وجود تلاش برای افزایش شمار شیعیان بومی در شرق افریقا، همواره پیرو عقاید خاص خود و متأثر از سیاست‌ها و استراتژی فدراسیون جهانی شیعه خوجه اثنی عشری هستند و هیچ‌گاه از این شیعیان به‌طور مستقیم دفاع نمی‌کنند. از این رو در اکثر موارد سعی می‌کنند دفاع را به خود آنها بسپارند؛ در حالی که شیعیان بومی در مقابل روحانیون اهل سنت، به ویژه معاندان وهابی آسیب پذیرند و توانایی مقابله کامل با دشمنان خود را ندارند.^۱

- علاوه بر این مشکلات که عمدتاً به تنگناهای اقتصادی و فرهنگی باز می‌گردد، مسلمانان متأثر از فرقه ضاله وهابیت نیز به شیوه‌های مختلف سعی در آزار و اذیت شیعیان بومی دارند. روحانیون وهابی که به طور مرتب از رابطه العالم اسلامی پول دریافت می‌کنند، به صراحت شیعیان بومی را کافر و مرتد می‌خوانند و مورد حمله قرار می‌دهند. این شیوخ در نمازهای جمعه و در سخنرانی‌های خود همواره به جمهوری اسلامی ایران می‌تازند و جدای از اتهامات دروغ که به جمهوری اسلامی ایران نسبت می‌دهند، سعی می‌کنند از طریق احادیث و روایات مجعول، مذهب تشیع را پوشالی و خلاف واقع جلوه دهند. از ترفندهای دیگر روحانیون مزبور ایجاد شک و تردید بین مسلمانان، به ویژه شیعیان درباره وضعیت مسلمانان اهل سنت در مناطق شرقی، جنوبی و غرب ایران است. آنان با بهره‌گیری از اطلاعات نادرستی که معمولاً از وهابیون رابطه العالم الاسلامیه دریافت می‌کنند، رهبران جمهوری اسلامی ایران را به ایجاد محدودیت‌های شدید در استان‌های سنی‌نشین ایران متهم می‌سازند

۱. اشاره شد که شیعیان بومی مناسبات پر فراز و نشیبی با شیعیان خوجه اثنی عشری دارند که بیشتر به نوع نگاه خوجه‌ها و شیوه تبلیغی خاص آنها و در عین حال پرهیز از ایجاد روابط صمیمانه با بومیان پیرو مذهب اهل البیت (ع) بازمی‌گردد.

و در این ارتباط از بیان آمار و ارقام مجهول و کذب، مانند منع ورود اهل سنت ایران به دانشگاه‌ها و دستیابی به مشاغل دولتی و بخش خصوصی نیز واهمه‌ای ندارند. البته برخی علما و روحانیون شیعه بومی همچون شیخ عبداللّهی ناصر، شیخ علی شیئی، شیخ مایونگا و شیخ ملبا صالح در مواقع لازم به مقابله با این معاندان می‌پردازند و با ارائه استدلال‌های قوی و ذکر احادیث متقن، این توطئه‌ها را خشتی می‌کنند؛ با این حال پاسخ دادن به این اتهامات نیازمند تدوین استراتژی طولانی مدتی است که شمار اندک شیوخ و افراد تحصیل کرده شیعه بومی کنونی این کشور قادر به این کار نیستند^۱ (گفت‌وگو با حجت‌الاسلام باقری، مهر ۱۳۹۴).

- از مشکلات اصلی جامعه شیعیان تانزانیا و کنیا وجود اختلافات داخلی پنهان و آشکار بین رهبران و علمای گروه‌ها و سازمان‌های شیعی این کشورهاست. این اختلافات که تا حدودی موجب تفرقه جوامع شیعی این دو کشور شده، در بسیاری موارد به اتخاذ موضعی انفعالی از سوی این سازمان‌های شیعی در مقابل گروه‌های معاند و اقدامات ضد اسلامی دولت‌های سکولار تانزانیا و کنیا انجامیده است. این اختلافات و دودستگی‌ها که خود بر اتحاد و انسجام جامعه اسلامی این دو کشور سایه افکنده است، بارها مورد سوءاستفاده معاندان اسلام و مذهب اهل‌البیت (ع) به خصوص مسیحیان قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که با بزرگ‌نمایی این اختلافات، جامعه اسلامی تانزانیا و کنیا و اقلیت‌های شیعه این دو کشور را متزلزل و فاقد استحکام معرفی کرده‌اند.

- شیعیان بومی در کشورهای تانزانیا و کنیا حضور بسیار کم‌رنگی در مراکز دولتی و حتی خصوصی دارند. به ندرت می‌توان شیعیانی بومی در این دو کشور

۱. بزرگ‌ترین چالش شیعیان بومی کنیا به مناسبات مخاطره‌آمیز آنها با فرقه ضاله وهابیت باز می‌گردد. آنان به طور مستمر از ناحیه تبلیغات مسموم شیوخ فرقه ضاله وهابیت در مضیقه و تنگنا قرار دارند. روحانیون وهابی که به طور مرتب از رابطه العالم اسلامی پول دریافت می‌کنند به صراحت آنها را کافر و مرتد می‌خوانند و مورد حمله قرار می‌دهند. شیعیان خوجه اثنی عشری نیز با وجود حمایت‌های گسترده خود از شیعیان بومی و تلاش فراوان برای بهبود وضعیت آموزشی و رفاهی آنها تاکنون نتوانسته‌اند به این دسایس پاسخی کوبنده دهند.

یافت که در ادارات دولتی و بخش‌های خصوصی عهده‌دار پست‌های با اهمیتی باشند. به همین علت هنگام بروز مشکلات، شیعیان بومی تانزانیا و کنیا به‌ندرت می‌توانند از نفوذ هم‌کیشان خود استفاده کنند. البته شیعیان خوجه اثنی عشری، بهره‌ها و آقاخان‌ها روابط خوبی با مسئولان عالی‌رتبه دولتی دارند و عمدتاً نیز مشکلات خاص خود را از طریق این روابط برطرف می‌کنند؛ ولی این امر برای پیروان بومی اهل‌البیت (ع) کاملاً برعکس است. متأسفانه اقلیت‌های شیعه بومی تانزانیا و کنیا نیز پذیرفته‌اند که نباید در امور اجتماعی کشور فعالیت داشته باشند. - فقر و تنگدستی شدید مشکل دیگر شیعیان بومی تانزانیا و کنیاست که موجب شده است در برخی موارد حداقل امکانات زندگی را نداشته نباشند. هر چند فقر و تنگدستی در قاره افریقا امری طبیعی و عمومی است، ولی این پدیده بین پیروان مذهب اهل‌البیت (ع) در کشورهای تانزانیا و کنیا بسیار شدیدتر است و برخی خانواده‌های شیعه به ویژه در روستاهای تانزانیا و کنیا از حداقل امکانات زندگی بی‌بهره‌اند. شدت فقر در جوامع شیعی این دو کشور به اندازه‌ای است که برخی خانواده‌ها حتی قادر به ثبت نام فرزندان خود در مدارس دولتی و پرداخت شهریه این مدارس نیستند.^۱

- شیعیان کنیا و تانزانیا از نظر در اختیار داشتن رسانه‌های گروهی و طرح افکار و دیدگاه‌های خود تا حدودی محدودیت دارند. هرچند شیعیان خوجه اثنی عشری در این کشورها شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی دارند، در این شبکه‌ها کمتر مجالی برای بومیان شیعه وجود دارد تا به طور مستقیم به تبلیغ و معرفی اهل‌البیت (ع) بپردازند و مذهب تشیع را به‌صورت کامل به مسلمانان دیگر معرفی کنند. چاپ مقالات دینی در روزنامه‌ها و نشریات این کشورها عمدتاً در کنترل مسیحیان است

۱. البته شیعیان خوجه اثنی عشری که در زمره متدین‌ترین اقلیت‌های غیربومی کنیا هستند، به‌رغم نوع تفکر تبلیغی خاص، تا حد امکان شیعیان بومی این کشور را تحت پوشش و مساعدت‌های خود قرار می‌دهند؛ با این حال بخش عمده بومیان مسلمان همواره با مشکل فقر و تنگدستی مواجه‌اند و به نظر نمی‌رسد در آینده نزدیک نیز شرایط آنها بهبود یابد.

و بخش عمده مطالب نشریات تانزانیا و کنیا جدای از اخبار و مطالب سیاسی، در حمایت از مسیحیان است و گاه در برخی مقالات به طور غیرمستقیم از پیروان دین اسلام (به ویژه در مناطق ساحلی کنیا) به عنوان عوامل بی‌ثباتی انتقاد می‌شود.^۱

به هر حال اقلیت‌های بسیار کوچک شیعه کنیا و تانزانیا با خطرهای فراوانی مواجه‌اند و باید با بهره‌گیری از ابزار فرهنگی لازم به تدریج توان مقابله با معاندان و معاضدان خود را بالا ببرند (عرب احمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۴).

۸. شیعیان غیربومی

علاوه بر شیعیان بومی دوازده امامی، گروه دیگری از پیروان مذهب اهل‌البیت (ع) از ده‌ها سال قبل و حتی پیش از پدید آمدن نهضت تشیع بین مسلمانان بومی - و گرایش برخی از آنها به این مکتب - در دو کشور تانزانیا و کنیا زندگی می‌کنند. این اقلیت‌ها که از انسجام، سازماندهی و وضعیت اقتصادی به مراتب بهتری در مقایسه با بومیان برخوردارند، به سه گروه شیعیان خوجه اثنی عشری، شیعیان بهره داوودی و آقاخانیه تقسیم می‌شوند:

الف) شیعیان خوجه اثنی عشری

یکی از اقلیت‌های مهم اسلامی شیعی در منطقه شرق و جنوب شرق آفریقا، جامعه شیعیان خوجه اثنی عشری است. این اقلیت نسبتاً کوچک که نزدیک ۳۰ هزار نفر می‌شوند، علاوه بر کشورهای تانزانیا، اوگاندا و کنیا در برخی دیگر از کشورهای منطقه جنوب شرق آفریقا نظیر ماداگاسکار و رئونیون زندگی می‌کنند. شیعیان خوجه اثنی عشری که تماماً آسیایی‌الاصل و هندی هستند، طی حدود صد سال گذشته به دلایل مختلف از هندوستان به سایر کشورهای جهان اعم از آفریقا، آسیا، اروپا و

۱. البته شیعیان کنیا اعم از شیعیان خوجه اثنی عشری، بهره‌های داوودی و شیعیان بومی اخیراً طی جلساتی مشترک درباره تأسیس ایستگاه رادیویی مختص شیعیان این کشور به توافق رسیده و اقداماتی برای اخذ مجوز راه‌اندازی آن انجام داده‌اند.

امریکا مهاجرت کرده و به تدریج موفق شده‌اند در اکثر کشورهای جهان به ویژه منطقه شرق آفریقا جایگاه اقتصادی و تجاری مناسبی برای خود فراهم کنند. تاریخ ورود این جماعت به شرق آفریقا به اواخر قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد. در دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ گروهی از شیعیان خوجه اثنی عشری که با جدایی از آقاخان‌ها و انتخاب مذهب شیعه دوازده امامی تحت فشار و تنگناهای آقاخان‌ها قرار داشتند، از بمبئی رهسپار شرق آفریقا شدند و در جزیره زنگبار سکونت یافتند. شمار مهاجران خوجه اثنی عشری در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ افزایش یافت و جمعیت فراوانی از آنان که بالغ بر هزاران نفر بودند، در این جزیره مستقر شدند. خوجه‌های اثنی عشری بعدها به تدریج عازم سایر مناطق شرق آفریقا از جمله تانزانیا، کنیا و اوگاندا شدند و علاوه بر تأسیس «فدراسیون خوجه اثنی عشری آفریقا» جماعتی را در این کشورها تأسیس کردند. این روند مهاجرت در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ شتاب بیشتری گرفت و آنان از آن زمان در این کشورها اقامت گزیدند.

شیعیان خوجه اثنی عشری در تانزانیا: شیعیان خوجه اثنی عشری بزرگ‌ترین اقلیت خوجه‌های دوازده امامی را در منطقه شرق آفریقا تشکیل می‌دهند. پیشینه ورود شیعیان خوجه اثنی عشری به تانزانیا به اواخر قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد. پس از استقرار جمعیت زیادی از شیعیان خوجه اثنی عشری مهاجر در جزیره زنگبار (از بمبئی و سایر شهرهای هند)، تعدادی از خوجه‌های اثنی عشری به تدریج در جست‌وجوی فرصت‌های شغلی جدید و گسترش جماعات خود رهسپار کشورهای شرق آفریقا از جمله تانزانیا (تانگانیکای وقت)، کنیا و اوگاندا شدند. تانگانیکای آن عهد، توجه گروه زیادی از خوجه‌های اثنی عشری مقیم زنگبار را جلب کرد. دلیل اصلی آن نیز نزدیکی این سرزمین به زنگبار و شرایط یکسان زیست‌محیطی آن بود. از این رو از سال ۱۸۸۰ به بعد تعداد زیادی از خوجه‌های اثنی عشری رهسپار تانگانیکا شدند و در شهرهای مهم آن نظیر دارالسلام، باگامویو، لیندی، کیلوا، آروشا و... سکونت یافتند. البته این سفرها با



توجه به امکانات اندک و شرایط نامناسب این مناطق به سختی انجام می‌شد؛ به گونه‌ای که خوجه‌های اثنی عشری در سفر به شهرهایی مانند آروشا، موشی، کوندوا، تابورا و کیگوما که در قلب تانگانیکا قرار داشت، مجبور بودند با کاروان‌هایی که در هر روز ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر از مسیر را طی می‌کردند، پای پیاده سفر کنند. بیماری‌های بومی نظیر تب مرداب و مالاریا نیز گاه مشکلات زیادی برای آنان ایجاد می‌کرد.

شیعیان خوجه اثنی عشری پس از استقرار در شهرهای مختلف تانگانیکا به تدریج جماعتی تأسیس کردند و با احداث مساجد، حسینیه‌ها و مدارس به تشکیلات خود انسجام بخشیدند. از این رو پیش از تأسیس فدراسیون افریقا، ده‌ها جماعت شیعیان خوجه اثنی عشری در تانزانیای امروز شکل گرفت و تعداد زیادی از خوجه‌های اثنی عشری در شهرهای مختلف این کشور استقرار یافتند. خوجه‌های اثنی عشری تانزانیای مناسبات خوبی با یکدیگر دارند و جماعات مختلف این کشور همواره در موقع لازم به یاری یکدیگر شتافته‌اند (A short glimps of the activities of Dar es salaam jamaat, 2008:4).

شیعیان خوجه اثنی عشری در کنیا: دومین اقلیت بزرگ مذهبی در شرق افریقا پس از تانزانیای، خوجه‌های اثنی عشری کنیا هستند. جمعیت تقریبی آنان در کنیا حدود ۲ هزار نفر است که بیشتر در شهرهای نایروبی، مومباسا و ناکورو اقامت دارند. تاریخ ورود خوجه‌های اثنی عشری به کنیا به دهه ۱۸۷۰ بازمی‌گردد. در سال ۱۸۷۳ نخستین گروه از شیعیان خوجه اثنی عشری مقیم زنگبار رهسپار جزیره لامو شدند و جماعت کوچکی را در این جزیره زیبا و تاریخی تأسیس کردند. آنان پس از مدتی کوتاه مجموعه‌ای شامل مسجد، امام‌باره و مسافرخانه را در جزیره لامو احداث کردند که در زمره آثار تاریخی خوجه‌های اثنی عشری به شمار می‌رود و بیش از صد سال قدمت دارد (Salvadori, 1989: 248). گروه دیگری از خوجه‌ها نیز در دهه ۱۸۹۰ از زنگبار رهسپار مومباسا شدند و در این



شهر اقامت گزیدند (Jaffer, 1989: 9).

دسته دیگری از خوجه‌های اثنی عشری در سال ۱۹۰۰ از طریق راه‌آهن تازه‌تأسیس مومباسا به نایروبی، عازم این شهر شدند و پس از مدتی کوتاه نخستین جماعت خود را با عنوان «جماعت شیعه اثنی عشری» به ثبت رساندند. نخستین مسجد شیعیان خوجه اثنی عشری نایروبی نیز در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد (Salvadori, 1989: 248).

در حال حاضر شهرهای مومباسا و نایروبی از مراکز مهم تجمع شیعیان خوجه اثنی عشری در کنیا هستند و از امکانات گسترده آموزشی و اجتماعی برخوردارند که می‌توان به آکادمی جعفری مومباسا، مؤسسه مطالعات عالی جعفری مومباسا، باشگاه ورزشی جعفری، اتحادیه جوانان اثنی عشری، جمعیت حسینی مومباسا، مؤسسه فیض پنج تن و جامعه زینبیه اشاره کرد.

چنان که بیان شد، جمعیت کنونی شیعیان خوجه در کنیا حدود ۲۰۰۰ نفر است. البته تعداد خوجه‌های اثنی عشری این شهر در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بالغ بر ۳۰۰۰ نفر بود که به دلیل مهاجرت برخی خانواده‌ها به انگلستان و امریکای شمالی به این تعداد کاهش یافت (Salvadori, 249).

در حال حاضر مرکز فدراسیون شیعه خوجه اثنی عشری جماعت افریقا در شهر نایروبی قرار دارد. انتخابات فدراسیون شیعه خوجه اثنی عشری جماعت افریقا هر سه سال یک بار برگزار و به ازای هر هزار نفر یک نفر نامزد پست ریاست فدراسیون می‌شود. فدراسیون افریقا در مجموع دربرگیرنده سه محور اساسی آموزش، تبلیغ و امور خیریه و عام‌المنفعه است و چند مسجد و امام‌باره، درمانگاه، مدارس و حوزه‌های علمیه در شهرهای مختلف کنیا و تانزانیا دارد (عرب احمدی، ۱۳۸۶: ۲۴). ارگان تبلیغی شیعیان خوجه اثنی عشری در شرق افریقا سازمان بلال مسلم میشن است که در شهرهای دارالسلام، نایروبی و مومباسا فعالیت گسترده‌ای دارد و در سایر شهرهای کنیا و تانزانیا نیز شعبه‌هایی دایر کرده است. این مرکز



مختص شیعیان بومی است و طی چند دهه گذشته نقش مهمی در گسترش مذهب تشیع دوازده امامی بین بومیان مسلمان شرق آفریقا داشته است.

مناسبات عمومی خوجه‌های اثنی عشری با سایر گروه‌های دینی: درباره مناسبات خوجه‌های اثنی عشری با مسلمانان و غیرمسلمانان کنیا و تانزانیا باید گفت روابط شیعیان خوجه اثنی عشری ساکن کشورهای کنیا و تانزانیا با بومیان شیعه در مجموع خوب است و آنها از طریق سازمان بلال مسلم میشن در زمینه توسعه مذهب اهل‌البیت (ع) بین سیاهان مسلمان سرمایه‌گذاری کرده و نقش‌آفرین بوده‌اند.^۱ آنها نیز مانند سایر هندی‌های مقیم شرق آفریقا معمولاً روحیه‌ای محافظه‌کارانه و انزواجویانه دارند و از اختلاط با سایر مسلمانان اعم از اهل سنت و پیروان فرقه‌های متصوفه پرهیز می‌کنند؛ با این حال جدای از وهابیون، مناسبات خوبی با سایر مسلمانان دارند که عمدتاً مبتنی بر حسن همجواری و احترام متقابل است. شیعیان خوجه اثنی عشری با مسیحیان کنیایی و تانزانیایی نیز روابط دوستانه‌ای دارند و در زمینه معاملات تجاری و بازرگانی تعامل خوبی با آنها برقرار کرده‌اند. این وضعیت درباره هندوها و بودایی‌های ساکن کشورهای مذکور نیز صدق می‌کند. در عین حال آنها تقریباً هیچ‌گونه رابطه‌ای با پیروان آیین‌های بومی (که بیشتر در مناطق روستایی و دورافتاده جنگلی زندگی می‌کنند) ندارند.^۲

ب) شیعیان آقاخانی

فرقه آقاخانیه از اقلیت‌های شیعی آسیایی‌الاصل مقیم شرق آفریقا است. پیروان این فرقه در حال حاضر در کشورهای تانزانیا و کنیا اجتماعات کوچکی تشکیل داده‌اند و همچون سایر اقلیت‌های هندی ساکن شرق آفریقا از وضعیت رفاهی مناسبی

۱. با این حال همان‌گونه که اشاره شد، رفتارهای تبعیض‌آمیز با شیعیان بومی و شرکت نکردن در مراسم آنها و خودداری (غیرمستقیم) از حضور سیاهان شیعه در مساجد و حسینیه‌های خوجه‌ها بارها موجب آزردهی خاطر بومیان شیعه دوازده امامی شده است.

۲. البته سازمان بلال مسلم میشن طی دو دهه اخیر در کشورهای تانزانیا و کنیا برخی اقدامات تبلیغی را برای جذب پیروان آیین‌های بومی به دین اسلام ساماندهی کرده که موجب مسلمان شدن تعدادی از افراد قبایل آنیمیست به دین اسلام شده است.

برخوردارند؛ به گونه‌ای که از آنان به عنوان سازمان‌یافته‌ترین جماعات مسلمان منطقه شرق آفریقا یاد شده است (Trimingham, P. 158).

تاریخ ورود آقاخان‌ها به کشورهای کنیا و تانزانیا به اوایل قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد. تعدادی از افراد این فرقه در اواسط قرن نوزدهم بنا به دلایل مختلف از جمله فقر مالی و خشکسالی از هندوستان رهسپار زنگبار، لامو و مومباسا شدند و به تدریج به فعالیت‌های تجاری مختلف روی آوردند. نخستین جماعات آقاخانیه در شرق آفریقا در اواخر قرن نوزدهم میلادی در زنگبار و مومباسا تشکیل شدند و پیروان این فرقه به تدریج در این مناطق استقرار یافتند. آنان از این زمان علاوه بر فعالیت‌های بازرگانی، اقدامات آموزشی و تبلیغی خود را نیز آغاز کردند و نخستین مرکز آموزشی آقاخان‌ها در دوره سلطان محمد شاه آقاخان در سال ۱۸۹۵ در شهر باگامویو تأسیس شد (www.agakhan.schools.org/eafrica.asp).

آقاخان در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ تلاش گسترده‌ای برای قانونمند کردن جماعات آقاخانیه در کشورهای مختلف جهان از جمله شرق آفریقا انجام داد که شامل تشکیل مؤسساتی اقتصادی و مالی برای بهبود وضعیت زندگی پیروان این فرقه به ویژه افراد مستمند و فقیر بود. بدین منظور در سال ۱۹۴۶ سازمانی موسوم به «انجمن رفاه آقاخانیه» فعالیت خود را با هدف تحت پوشش قرار دادن همه آقاخان‌ها و رفع مشکلات اجتماعی و فرهنگی آنها آغاز کرد (Picxlay, 1962: 11). در کنار آن اقداماتی برای اعطای بورسیه تحصیلی به برخی دانش‌آموزان مستعد آقاخانیه ساکن شرق آفریقا آغاز شد. کمیته گلد گرانت^۱ که با هدف ترویج تحصیلات عالیّه تأسیس شده بود، در همان سال‌ها چند بورسیه تحصیلی دانشگاه‌های هند را در اختیار تعدادی از دانش‌آموزان آقاخان‌ی مقیم تانزانیا و کنیا قرار داد که در درازمدت سهم زیادی در ارتقای کیفی جماعات آقاخانیه داشت و موجب تشویق نسل آینده در روی آوردن به تحصیلات عالیّه دانشگاهی شد.

آقاخان‌ها در دهه ۱۹۵۰ فعالیت گسترده‌ای در زمینه آموزش و بهداشت شروع کردند و در این ارتباط ده‌ها مدرسه در مقاطع ابتدایی و متوسطه در شهرهای مومباسا، نایروبی، دارالسلام و زنگبار احداث شد. آنها همچنین برای نخستین بار از فناوری‌های جدید آموزشی در برخی از این مدارس بهره گرفتند که شامل شیوه‌های نوین آموزشی، کارگاه‌های آموزشی و کتب جدید بود (www.agakhanschools.org/estafrica.asp). از اقدامات دیگر آقاخانیه در شرق آفریقا در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ استفاده از لباس‌های غربی به جای پوشش سنتی برای مردان و به ویژه زنان، جایگزینی زبان انگلیسی (به جای زبان گجراتی) به عنوان زبان اول و زبان سواحیلی به عنوان زبان دوم، تأکید ویژه بر بهداشت (در کنار امر آموزش و پرورش)، تأسیس انجمن‌های اجتماعی و رفاهی و ورزشی و انجام پروژه‌های بزرگ خانه‌سازی (منازل مسکونی خاص آقاخان‌ها) بود. بنا به دستور آقاخان وقت (سر سلطان محمد شاه) و آقاخان کنونی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، چند مؤسسه آموزشی - فرهنگی نظیر بنیاد آقاخان،^۱ تراست فرهنگی آقاخان،^۲ صندوق توسعه اقتصادی آقاخان^۳ و دانشگاه آقاخان که طی این سال‌ها در هند تأسیس شده بودند، شعبه‌هایی در کشورهای تانزانیا و کنیا (و البته اوگاندا که خارج از موضوع بحث این تحقیق است) احداث کردند. این مراکز از جمله بنیاد آقاخان و تراست فرهنگی آقاخان، سهم فراوانی در بهبود شرایط زندگی و وضعیت فرهنگی - اجتماعی آقاخان‌ها ایفا کردند. به دستور پرنس کریم‌خان (آقاخان چهارم)، تمام مدارس آقاخانیه در شرق آفریقا تحت پوشش مرکز خدمات آموزشی آقاخان^۴ و همه مراکز بهداشتی آنها در کشورهای شرق آفریقا زیر نظر سازمانی



1. Agakhan Foundation
2. The Agakhan Trust for Culture
3. The Agakhan Fund Economic Development
4. Agakhan Education Services Center

موسوم به مرکز خدمات بهداشتی آقاخان^۱ قرار گرفتند. آقاخان‌ها در حال حاضر امکانات وسیع و گسترده‌ای اعم از مراکز و مؤسسات آموزشی، بهداشتی و تجاری در کشورهای تانزانیا و کنیا دارند و از این نظر یکی از منسجم‌ترین اقلیت‌های دینی غیربومی در این منطقه به شمار می‌روند. آنها سلسله مراتب اجتماعی منظمی دارند و سرپرستی آقاخان‌ها در این کشورها برعهده جماعت آقاخان‌ها در شرق افریقا است که این سازمان به جماعات تانزانیا، کنیا و اوگاندا و جماعات مذکور نیز به جماعات شهرهای مختلف تقسیم می‌شوند. رهبر جماعت آقاخان‌ها در شرق افریقا را شخص آقاخان به این مقام منصوب می‌کند و این پست از اهمیت خاصی برخوردار است. آقاخان‌ها جماعت‌خانه‌های بزرگی در شهرهای دارالسلام، مومباسا، نایروبی، آروشا، تانگا و... دارند و هر شب در این جماعت‌خانه‌ها به قرائت اوراد و اذکار خاص خود می‌پردازند. مراسم و مناسبت‌های خاص آقاخان‌ها نیز در این جماعت‌خانه‌ها برگزار می‌شود.^۲ شهر نایروبی مرکز جماعت منطقه‌ای آقاخان‌ها در شرق افریقا است.

با وجود اقدامات گسترده فرهنگی- اجتماعی آقاخان‌ها در کشورهای منطقه شرق افریقا به ویژه در زمینه بهداشت، امور خیریه و عام‌المنفعه، آنان همچون سایر اقلیت‌های مذهبی آسیایی از اختلاط با بومیان - و حتی سایر آسیایی‌ها - پرهیز می‌کنند و جوامعی بسته و محدود را تشکیل می‌دهند. در واقع آقاخان‌ها جامعه‌ای منزوی هستند و فعالیت‌های تبلیغی آنان نیز داخل جماعات‌شان انجام می‌گیرد؛ بنابراین این فرقه که یکی از انشعاب‌های مذهب تشیع محسوب می‌شود، در زمینه تبلیغ دین اسلام و تشیع تحرک خاصی در کشورهای تانزانیا و کنیا ندارد. مناسبات آنان با شیعیان بومی دوازده امامی و سایر پیروان دین اسلام اعم از اهل سنت و فرق متصوفه نیز بسیار محدود و تقریباً در حد شرکت در مراسمی همچون جشن میلاد نبی(ص) است. مناسبات آنها با مسیحیان و پیروان آیین‌های بومی نیز تنها به

1. Agakhan Health Services Center

۲. مطالعات میدانی نویسنده، شرق افریقا.



محدوده معاملات تجاری خلاصه می‌شود (عرب احمدی، ۱۳۸۹: ۲۶۵).

ج) شیعیان بهره داوودی

فرقه بهره یکی از مذاهب منشعب از مذهب اسماعیلیه است که پیروان آن در جهان به چند میلیون نفر می‌رسد. اساس اعتقادی این فرقه بر انتخاب داوطلبانه قرار دارد؛ از این رو افراد هر یک از جوامع بهره با انتخاب آزاد این مذهب را پذیرفته‌اند و در قبول یا رد آن اختیار دارند. این فرقه نیز همچون آقاخانیه تاریخیچه مشترکی با شیعیان خوجه اثنی عشری دارد؛ با این حال اختلاف و انشعاب آنها از شیعیان دوازده امامی از آنجا ناشی می‌شود که بهره‌ها معتقدند پس از شهادت امام جعفر صادق(ع)، امر امامت برعهده اسماعیل قرار گرفت نه امام کاظم(ع). همین امر سبب جدایی کامل آنها از تشیع دوازده امامی و تأسیس مذهبی خاص دربرگیرنده شش امام نخست شده است.^۱ تاریخ پیدایش این فرقه به همان زمان برمی‌گردد. بهره‌ها در قرن ششم هجری ابتدا به یمن و از آنجا به هند مهاجرت کردند و در این سرزمین سکونت یافتند. هنوز هم بخش اعظم بهره‌ها در هند سکونت دارند و پیشوای آنان (امام بیست و دوم بهره‌ها) نیز در شهر بمبئی مقیم است. طبق اعتقادات این فرقه، امامت به صورت جانشینی نیست و پس از فوت هر یک از امامان، امام بعدی را مردم انتخاب می‌کنند و پس از انتخاب شدن دارای اختیار و قدرت کامل است. در طول پیدایش این فرقه ۵۳ داعی مطلق، رهبری جامعه بهره‌ها را بر عهده داشته‌اند. رهبر و داعی مطلق فعلی بهره‌ها «سید مفضل سیف‌الدین» است که در بمبئی هند سکونت دارد. بهره‌ها علاقه خاصی به امامان شیعه تا امام جعفر صادق(ع) دارند، ولی همان‌گونه که اشاره شد، از امام جعفر صادق(ع) به بعد سایر امامان شیعه را به رسمیت نمی‌شناسند و صرفاً به عنوان فرزندان امامان شیعه برای آنها احترام قائل‌اند. آنان

۱. گروهی از شیعیان در زمان امام جعفر صادق(ع) به‌رغم فوت نابهنگام اسماعیل، مرگ وی را نپذیرفتند و ادعا کردند اسماعیل غیبی کرده است و در زمان موعود ظهور خواهد کرد. آنان پس از اسماعیل نیز محمد پسر وی را امام دانستند و به طور کامل از شیعیان دوازده امامی جدا شدند.

اصول و مقررات مذهبی خاص خود را دارند و به اجرای فرایض مذهبی، برگزاری نماز جماعت، برپایی مراسم شهادت و تولد ائمه اطهار (ع) تا امام ششم، زیارت قبور ائمه اطهار و ارسال نذورات و هدایا به حضور امام فعلی خود، سید برهان‌الدین، بسیار معتقد و پای‌بندند (www.shia Bohra.com).

جمعیت فعلی شیعیان بهره چهار میلیون نفر برآورد شده است که در کشورهای مختلف دنیا پراکنده‌اند. آنچه در این جامعه مشخص است، نظم و نسق حاکم بر آن است که سبب انسجام آن و فرمانبرداری کامل اعضا از پیشوای خود شده است. همان‌گونه که اشاره شد، مرکز این جماعت در هندوستان و شهر بمبئی است، ولی در طول دو قرن گذشته گروه‌هایی از جماعت بهره عمدتاً به سبب اهداف تجاری و اقتصادی از هند به سایر کشورهای جهان از جمله شرق آفریقا مهاجرت کرده‌اند. این فرقه مذهبی دارای جماعتی در کشورهای تانزانیا و کنیا، موریس و ماداگاسکار است؛ با این حال بیشترین تمرکز آنها در کشورهای تانزانیا و کنیاست. البته پیش از اخراج آسیایی‌ها از اوگاندا، تعدادی از بهره‌ها در این کشور سکونت داشتند اما با اخراج هندی‌ها، بیشتر بهره‌های این کشور به تانزانیا و عمدتاً کنیا مهاجرت کردند^۱ (Encyclopedia of Islam ب Kenya P. 888).

تاریخ مهاجرت شیعیان بهره به کشورهای کنیا و تانزانیا کاملاً مشخص نیست، ولی به نظر می‌رسد تعدادی از آنها اواسط قرن هجدهم از هند رهسپار زنگبار شده و در این جزیره اقامت گزیده‌اند. در اوایل قرن نوزدهم تعداد دیگری از بهره‌های داوودی عازم شرق آفریقا شدند و در زنگبار تمرکز یافتند. در اواسط قرن نوزدهم، آنها جماعت کوچک و در عین حال منسجمی را در این جزیره تأسیس کردند و پس از آقاخان‌ها و هندوها، سومین اقلیت بزرگ زنگبار به شمار می‌رفتند. شیعیان بهره از اولین سال‌های اقامت خود در مناطق مختلف شرق آفریقا از جمله لامو، مالیندی، مومباسا، نایروبی، دارالسلام، زنگبار، تانگا، دودوما و... وارد بازار تجارت این منطقه

۱. بهره‌های داوودی از نظر جمعیت، دومین جماعت مسلمانان آسیایی در کنیا محسوب می‌شوند.

شدند و به خرید و فروش اقلام مختلف و صادرات و واردات بین هند و سواحل شرق آفریقا پرداختند (Salvadori, PP. 256-7). بهره‌ها پس از تأسیس جماعات خود در کشورهای کنیا و تانزانیا، مساجد، جماعت‌خانه‌ها و مدارس خویش را نیز بنا کردند؛ به گونه‌ای که در حال حاضر برخی از بزرگ‌ترین مساجد کشورهای تانزانیا و کنیا به آنان تعلق دارد. جمعیت کنونی بهره‌ها در کشورهای کنیا و تانزانیا حدود ۱۲ هزار نفر تخمین زده می‌شود که نزدیک ۸۰۰۰ نفر از آنان در کنیا و حدود ۴۰۰۰ نفر نیز در تانزانیا زندگی می‌کنند (www.The Dawoodi Bohras in enya.htm).

شیعیان بهره ساکن کنیا و تانزانیا نیز مانند سایر اقلیت‌های مسلمان آسیایی از وضعیت رفاهی خوبی برخوردارند و بخشی از تجارت این منطقه (بیشتر در زمینه صنعت شیشه و صادرات و واردات کالاهای مختلف) را به خود اختصاص داده‌اند. آنان در مساجد بزرگ خود در شهرهای کنیا و تانزانیا، امور مذهبی گوناگون نظیر نمازهای جمعه و جماعات، جشن‌ها، مراسم سالگرد تولد و شهادت ائمه اطهار(ع) [تا امام هفتم(ع)]، عزاداری سالار شهیدان امام حسین(ع)، برگزاری مجالس فاتحه‌خوانی و... را برپای می‌دارند که در این بین برگزاری جشن میلاد نبی(ص) و مراسم عاشورای حسینی از اهمیت زیادی برخوردار است. علاوه بر آن، بهره‌ها به قرائت و حفظ قرآن اهمیت زیادی می‌دهند و معمولاً در مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن که همه ساله در کنیا، تانزانیا و شبه‌قاره هند برگزار می‌شود، مقام‌هایی کسب می‌کنند. آنان معمولاً محل‌هایی را در شهرهای محل استقرار خویش به خود اختصاص می‌دهند و بیشتر در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند. شیعیان بهره در مناطق مختلف کنیا و تانزانیا توسط امام و رهبری که با حکم رهبر اصلی برای راهنمایی و هدایت مردم در امور مذهبی منصوب شده است، اداره می‌شوند. شیعیان بهره در هر یک از شهرهای کنیا و تانزانیا مساجد خاص دارند و مناسک و اعمال دینی خود را در این مساجد انجام می‌دهند و از حضور در مساجد مسلمانان



دیگر خودداری می‌کنند.^۱

شیعیان بهره نیز همانند سایر آسیایی‌الاصل‌ها جماعات منزوی و بسته‌ای را تشکیل می‌دهند و علاقه‌ای به اختلاط با سایر مسلمانان از جمله شیعیان سیاه‌پوست ندارند و از هرگونه کمک مالی به شیعیان اثنی عشری بومی نیز خودداری می‌کنند. جالب اینجاست که مسلمانان بومی ساکن کشورهای کنیا و تانزانیا - دربرگیرنده شیعیان و اهل سنت - نیز به دلیل روحیه انزواطلبانه شیعیان بهره، این مذهب را صرفاً خاص هندی‌ها می‌دانند و گمان می‌کنند که تنها هندی‌ها و در کل افراد غیر سیاه‌پوست می‌توانند به آن پیوندند! (عرب احمدی، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۱). در مجموع بهره‌ها هیچ‌گونه رابطه‌ای با مسلمانان اهل سنت، فرقه‌های متصوفه، شیعیان دوازده امامی اعم از خوجه اثنی عشری و بومی، مسیحیان و پیروان آیین‌های بومی در کشورهای تانزانیا و کنیا ندارند و بیشتر تعاملات آنها به جامعه خود منحصر می‌شود.

(د) شیعیان لبنانی

در حال حاضر اقلیت کوچکی از شیعیان لبنانی در کشورهای کنیا و تانزانیا زندگی می‌کنند. هر چند آمار دقیقی از جمعیت فعلی آنها وجود ندارد، به نظر می‌رسد تعدادشان به حدود ۵۰۰ نفر برسد. شیعیان لبنانی توانایی مالی فراوانی دارند و شغل اکثر آنها تجارت و بازرگانی است. بخش عمده شیعیان لبنانی در حال حاضر در شهرهای نایروبی، مومباسا، دارالسلام، تانگا و زنگبار زندگی می‌کنند. آنها طی حدود سه دهه اخیر چند مسجد و حسینیه در این شهرها احداث کرده‌اند و با آنکه به دلیل اشتغالات عمده تجاری، فعالیت مذهبی چشم‌گیری ندارند، ولی مناسبت‌های خاص شیعیان همچون جشن تولد ائمه اطهار(ع) و مراسم سوگواری دهه محرم و شب‌های قدر را بسیار با شکوه در منازل خود برگزار می‌کنند. لبنانی‌های مقیم تانزانیا و کنیا

۱. بین بهره‌ها سلسله مراتبی وجود دارد؛ بدین‌گونه که پس از رهبر فرقه یا داعی مطلق که نماینده امام بیست و یکم (امام مستور) است، سایر رهبران شامل مأذون، مکاسر، مشایخ (بهایی صاحب)، عامل (میان صاحب) و ملا می‌شود. عاملان معمولاً نماینده داعی مطلق در جوامع مختلف بهره محسوب می‌شوند (امیربهرام عرب احمدی، بررسی تاریخ تطور و اصول عقاید شیعیان بهره داوودی، ص ۱۷).

عمدتاً از حضرت آیت الله سیستانی و حضرت آیت الله خامنه‌ای تقلید می‌کنند و مقید به احکام دینی هستند و بر پرداخت خمس و زکات و به ویژه سهم امام تأکید دارند. این شیعیان همچون جماعات مذهبی سایر کشورهای افریقایی از ورود به جریان‌های سیاسی و سیاست پرهیز می‌کنند و معمولاً سرگرم فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود هستند. لبنانی‌ها به شیوه خود در کلنی‌های خارج از لبنان، از هر گونه اختلاط با سایر هم‌کیشان خود حتی شیعیان بومی خودداری می‌ورزند و گرچه در زمینه تبلیغ تشیع معمولاً به دلیل خصلت سخاوتمندانه خویش از ارائه خیرات و نذورات و کمک‌های نقدی و جنسی دریغ نمی‌ورزند، ولی مراسم و گردهمایی‌های خود را بدون حضور سیاهان شیعه برپا می‌دارند. شیعیان لبنانی نیز مانند شیعیان خوجه اثنی عشری، تمایلی به ایجاد ارتباط صمیمانه با پیروان دین اسلام، مسیحیان و پیروان آیین‌های بومی ندارند و گوشه عزلتی گزیده‌اند و فعالیت‌های مذهبی آنان بیشتر منحصر به اعضای این جماعت در دو کشور کنیا و تانزانیا است. با این حال آنها در امور تجاری خود تقریباً با تمام گروه‌های دینی و مذهبی کشورهای مذکور ارتباط دارند (گفت‌وگو با حجت‌الاسلام باقری، مهر ۱۳۹۴).

۹. آینده تشیع در کنیا و تانزانیا

در ارتباط با آینده تشیع بین بومیان شیعه در کنیا و تانزانیا باید گفت راهی طولانی برای گسترش تشیع در این دو کشور وجود دارد؛ به گونه‌ای که هنوز از ظرفیت و پتانسیل موجود در اشاعه مکتب اهل‌البیت (ع) بین بومیان مسلمان به طور کامل استفاده نشده است. در واقع شیعیان بومی کنیا و تانزانیا با وجود مشکلات اقتصادی و تنگناهایی که از ناحیه معاندان تشیع برای آنها ایجاد شده است، با عشق و علاقه فراوان سعی در صیانت از آیین خود دارند و با برگزاری مراسم و مناسبت‌های شیعی مانند برپایی هفتگی دعای کمیل، مراسم اعیاد و شهادت ائمه اطهار (ع) و عزاداری ماه محرم، چهره درخشانی از مذهب اهل‌البیت (ع) را در



مقابل مسلمانان اهل سنت ترسیم کرده‌اند.

این دو اقلیت بسیار کوچک شیعه که به نوعی در محاصره مسلمانان اهل سنت و وهابیون قرار دارند و با خطرهای فراوانی مواجه هستند، در حالی مسیر دشوار خود را طی می‌کنند که علاوه بر مشکلات داخلی با تنگناهای خارجی نیز مواجه‌اند و در این راه تنها عشق به اهل‌البیت(ع) و پایداری می‌تواند آینده‌ای درخشان را برای آنان تحقق بخشد.

بر اساس شواهد موجود، هم اکنون جمعیت شیعیان بومی در تانزانیا و کنیا رو به افزایش است و چالش‌های موجود نه تنها خللی در عزم و اراده آنها پدید نیاورده، بلکه موجب اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر پیروان مذهب اهل‌البیت(ع) در این دو کشور شده است. از این رو پیش‌بینی می‌شود در صورت تداوم وضعیت فعلی، در آینده جمعیت شیعیان بومی بیش از پیش افزایش یابد و مطمئناً کاهش مشکلات آنها و ایجاد تشکیلات منسجم و هماهنگ، سبب شکوفایی هرچه بیشتر تشیع در مناطق مختلف کشورهای تانزانیا و کنیا خواهد شد. در حالی که امواج مخالف تشیع نه تنها خللی در این روند به وجود نیاورده، بلکه موجب تحکیم نسبی شیعیان بومی دو کشور مذکور شده است.

نکته درخور تأمل در این بین خطر به انحراف کشیده شدن مسیر رو به رشد تشیع در این کشورهاست. هرچند اشاره شد که در آینده نه چندان دور حرکت شیعیان و گرایش به تشیع بین بومیان کنیا و تانزانیا روند رو به رشدی خواهد داشت، ولی احتمال به انحراف کشیده شدن نهضت تشیع و ورود آن در مسیری دور از تشیع واقعی تا حدودی وجود دارد. بر اساس شواهد موجود، برخی شیعیان بومی کنیا و تانزانیا که در زمره متفکران جوامع کوچک شیعی هستند، به تدریج به اندیشه‌هایی روی آورده‌اند که تلفیقی از مذهب اهل‌البیت(ع) و آیین‌های بومی قاره افریقا است. در این ارتباط آنان با تأکید فراوان بر لزوم رهبری مکتب اهل‌البیت(ع) توسط حضرت مهدی عجل‌الله، بحث انتظار ظهور حضرت



امام زمان را متفی نمی‌دانند و معتقدند امام دوازدهم، رهبر و پیشوای آنان است و آنها تنها سر بر اطاعت او که رهبر واقعی آنان است، می‌نهند. هر چند این اندیشه در حال حاضر در مراحل اولیه است، ولی شنیده می‌شود برخی از شیعیان بومی در محافل خود به این بحث روی آورده‌اند و در حال اشاعه تفکری مبنی بر ظهور امام زمان (عج‌الله) در آینده‌ای بسیار نزدیک و حضور وی در جامعه هستند. لذا ضروری است مبلغان جمهوری اسلامی ایران با همکاری و هماهنگی علمای شیعه بومی و سازمان بلال مسلم میشن، با ایجاد روشننگری بین شیعیان بومی و تلاش برای ارتقای سطح معلومات دینی آنان، مانع رسوخ این گونه اندیشه‌های افراطی و انحراف مسیر رو به تعالی این اقلیت کوچک و نیز مانع تحقق اندیشه‌های شوم دشمنان مذهب اهل‌البیت (ع) شوند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شد تصویری جامع و روشن از پیشینه، چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی پیروان مذاهب مختلف شیعی در کشورهای تانزانیا و کنیا ترسیم و اطلاعات جامعی در محدوده صفحات تعیین‌شده، ارائه شود. آنچه مسلم است، جوامع شیعی ساکن کشورهای مذکور از لحاظ اخلاقی در زمره سالم‌ترین گروه‌های مذهبی هستند و از این بابت همواره مورد تأیید سایر گروه‌های دینی و اسلامی در کنیا و تانزانیا بوده‌اند. علاوه بر آن، پیروان مکتب اهل‌البیت (ع) اعم از شیعیان بومی دوازده امامی، خوجه‌های اثنی عشری و شیعیان هندی شش امامی اسماعیلیه مذهب (بهره‌های داوودی و آقاخانیه) به‌رغم ویژگی‌ها و خصلت‌های انزواطلبانه و تا حدودی تبعیض‌آمیز خاص خویش، در تنظیم روابط با یکدیگر و با مسلمانان فرقه‌های مختلف اهل سنت، مسیحیان و پیروان آیین‌های سنتی آفریقا، ضمن رعایت حد و مرز و خطوط قرمز خود، موفق عمل کرده و ضمن ترسیم جوامعی سالم در منظر سایر مذاهب اسلامی و ادیان، هیچ‌گاه وارد

تنش‌های دینی، قومی و قبیله‌ای نشده‌اند. در حالی که حداقل در ارتباط با شیعیان بومی کشورهای تانزانیا و کنیا اشاره شد که آنها با چالش‌ها و تنگناهای گوناگونی - به خصوص از سوی معاندان وهابی - مواجه بوده و در عین حال با صبر و آرامش و با توکل و توسل به پروردگار متعال در حال عبور تدریجی و پشت سر گذاشتن این مشقات هستند.

امید است این وجیزه بتواند در تعیین و تدوین راهبرد مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشد و در شناخت هرچه بیشتر و بهتر جوامع شیعی ساکن دو کشور استراتژیک کنیا و تانزانیا که از جایگاه منطقه‌ای مهمی در شرق آفریقا برخوردارند، افق‌های جدیدی بگشاید.

منابع فارسی

- انتشارات بین‌المللی الهدی (۱۳۷۹)، *شیعیان تانزانیا دیروز و امروز*، تهران.
- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (۱۳۸۹)، *اسلام در شرق آفریقا*، تهران.
- پورمرجان، قربانعلی (۱۳۸۰)، «اسلام در کنیا»، گزارش ارسالی از رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نایروبی.
- سازمان مدارس اسلامی (۱۳۸۶)، *اسلام و مسلمانان در کنیا*، قم.
- سازمان مدارس اسلامی خارج از کشور (۱۳۸۵)، *اسلام و مسلمانان در تانزانیا*، قم.
- شیعه‌شناسی (۱۳۸۷)، «بررسی تاریخ تطور و اصول عقاید شیعیان بهره داوودی»، ش ۲۱.
- عرب احمدی، امیربهرام (۱۳۸۷)، «بررسی تاریخ تطور و اصول عقاید شیعیان بهره داوودی»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، قم، س ۶، ش ۲۱، بهار.
- فصلنامه علمی - پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۳۹۴)، «چالش‌های ایالات متحده آمریکا و القاعده در شرق آفریقا»، س ۱، ش ۱.
- گفت‌وگو با حجت الاسلام باقری، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تانزانیا، مهر ۱۳۹۴.
- گفت‌وگو با دکتر امیربهرام عرب احمدی، مدیر گروه مطالعات آفریقا دانشگاه تهران، مهر ۱۳۹۴.
- گفت‌وگو با شیخ عمر باقر مایونگا، رئیس بنیاد امام باقر(ع)، دارالسلام، ۱۳۸۷.
- مطالعات سیاسی جهان اسلام (۱۳۸۹)، «سیاست‌های مداخله‌جویانه دینی عربستان در کنیا، تانزانیا و اوگاندا»، ش ۳، پاییز.



- Agakhanids in East Africa, available (1394/7/4).
- Bohra communities.com www.Shia Shia Bora. in East Africa, available (1394/7/4) online at: www.agakhanschools.org/estafrica.asp
- Esposito, Johnl (1995), *The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World*, Vol.4, Oxford University Press.
- Jaffer, Asgharali (1989), *An Outline History of Khoja Shia Ithna Asheri in Eastern Africa*, (Publisher Unknown), London.
- Picxlay, A.S (1962) *A History of Ismailies*, Bombay.
- Salvadori, Cynthia (1989), *"Through Open Doors*, Nairobi: Kenway Publication.
- Shia Bora. in Kenya, available online at: www.The Dawoodi Bohras in Kenya.htm, 1394/7/4.

